

حقیقت

شماره ۱۰۲ ۲۱ بهمن ۱۳۳۹

اخبار

مردم ایران برخلاف اشتغال حزب هرجی و تسلیم طلب حاکم و تسلیمات دز و عن را دیو - تلویزیون و مطبوعات وابسته ، کاملاً آگاهند که در قضیه معامله سرگرد و کاتهای

حاکم و سوس چه کلاهی بر سر آنها گذارده شده و چه خیانت ها شنی صورت گرفته است . دولت - جنا بیکار آمریکا حتی هیچیک از چهار شرط مجلس را نپذیرفت

بقیه در صفحه ۱۸

سر مقاله

مرگ بر آنهایی که بخواهند بر سر این جنگ سازش کنند!

از ابتدا ، کاملاً معلوم بود که آزادی جاسوسان آمریکائی دارای ارتش - مستقیمی با مسئله جنگ می باشد ، و اکنون زمزمه ساخت و باخت سیاسی با عراق و یا - میان دادن به جنگ از راه مذاکرات سیاسی - یعنی دفاعاً همان چیزی که آمریکا دوست شایستگی در منطقه طلب میکنند - در میان هاب حاکمه مالا میگیرد . این رزمه ، ساخت و باخت از زبان باره ای ایران

بر سر غنائم نزار ننگید که ملتی را به شنیست خواهید داد!

درباره رویداد تاسف باریسگاه حمید

رویداد باریسگاه حمید یادرس عبرتی با ندر ای همه رزمندگان که خون خود را در جبهه های جنگ بنا آرائی و استقلال این کشور میکنند .

همچنین این رویداد غم انگیز ، که فاجعه ای بنا آورد ، باید خطاری باشد به دارو دسته های طمعکار سلطه جو که تعرضه و نغسای بقیه در صفحه ۳

از ابتدا ، کاملاً معلوم بود که آزادی جاسوسان آمریکائی دارای ارتش - مستقیمی با مسئله جنگ می باشد ، و اکنون زمزمه ساخت و باخت سیاسی با عراق و یا - میان دادن به جنگ از راه مذاکرات سیاسی - یعنی دفاعاً همان چیزی که آمریکا دوست شایستگی در منطقه طلب میکنند - در میان هاب حاکمه مالا میگیرد . این رزمه ، ساخت و باخت از زبان باره ای ایران

شوراها باید متکی

به کارگران باشند

تجربهای از کارخانه هوخت

صفحه ۲۲

مبارزات

دهقانی

در آمل

صفحه ۲

مقدمه ای درباره

"راه سوم"

صفحه ۲

اینها کیستند و از جان

ملت چه میخواهند؟

(۳) صفحه ۱۵

نامه

یک کارگر

صفحه ۱۲

این پاسخ زیوانه

پاسخ ملت ایران

نیست!

صفحه ۲۲

اخباری از

گیلان

صفحه ۶

تکذیب نامه

صفحه ۲۳

گزارش مختصری از

فعالیت کارگران شرکت

فیروزا در رابطه با

جنگ تحمیلی

صفحه ۵

خبری تحریف شده

از چین

صفحه ۲۲

پاسخ به

صفحه ۲

کارگران و سود ویژه

سازدگی با آن سال جاری ، باردیگر مسئله سود ویژه کارگران معزول یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث و درگیری در درون کارجات و موسسات خدماتی تجلی میکند . سازدگی کارگران بگرد سود ویژه بقیه در صفحه ۱۰



صفحه ۲۱

هوک پر...

بقیه از صفحہ اول —
 دارند از راه مذاکره سیاسی
 و کارآمدن با دولت ریگان سر
 و ته جنگ را سپم آورند، حتی
 برپدی بودن ششم سارش در
 میان دولتمردان جمهوری
 اسلامی است. همایشی که با
 تسلیم به خواسته های آمریکا در
 قضیه گروگانهای جاسوسان
 جوانمردانه و حتی با زیربسا
 گذاشتن مصوبات مجلس خویش
 به مصالح ملی و شرف و حیثیت
 ملت ایران لگد کوبیدند مقدم
 تسلیم شدن به پاره ای خواسته
 های عراق و کارآمدن با ابر
 قدرت و دولت ریگان را تهیه
 می بینند. شرح سیاسی این
 اقدامات و تلاش های خاشاکه
 طبق معمول در دست حزب جمهوری
 اسلامی، یعنی حزب خاکمه به
 اصطلاح مکتبی کشور، و دولست
 هوچی مسلک عروسکی آن میا
 شد.
 دیدارهای اولاد پالمه
 نماینده ویژه سازمان ملل
 سا باره ای از سران جمهوری
 اسلامی و آمدن هیئتی از سوی
 اعضا شرکت کننده در کنفرانس
 کشورهای اسلامی به تهران
 دقیقاً بمطو رطلب دولت ایران
 به قبول راه حل مذاکره سیاسی
 و سازش با رژیم تجار و زکا ر عراق
 و در واقع با آمریکا — صورت
 گرفت. نگاهی به ترکیب
 هیئت یاد شده نشان میدهد که
 تماماً از دلال ها و طرفداران
 سیاست آمریکا در منطقه تشکیل
 شده اند، یعنی از وزیران
 امور خارجه حکومت های نظامی

ترکیه و پاکستان، حبیب شلی
 دسیرکل کنفرانس اسلامی آقای
 فاروق قدومی مسئول دفتر
 سیاسی سازمان آزادیبخش
 فلسطین، کدشفا جناح عربستان
 سعودی یعنی آمریکا را در درون
 این سازمان مابندگی می
 کند. هیئت یاد شده برای طرح
 پیشنهادهای سازشی کسه در
 ارتباط با جنگ عراق علیه
 ایران قرار است در کنفرانس
 کشورهای اسلامی در طائف مورد
 رسیدگی و تصویب قرار بگیرد،
 سازمان دولت و حزب کذاشی
 سیاسی گرفت و حتی برای دیدار
 آقای رجائی رنج سفره بندر
 عباس را خرید. لازم به یادآوری
 است که سرخلاف ادعای دروغی
 سهرادسوی، دولت رجائی
 حتی تمایل داشت که در کنفرانس
 نیس ارتجائی کشورهای اسلامی
 در طائف شرکت کند، ولی بعد
 سفلت مخالفت خمینی ناچار
 به تغییر رای شد، و حال این
 عدم شرکت را با دیدار رهبرای
 مستقیم با هیئتی از کنفرانس
 یاد شده در تهران و سندر عباس
 جبران میکرد. این دیدارها
 دقیقاً بمطو ر بررسی پیشنهاد
 های سازش با رژیم تجار و زکار و
 در حال سقوط عراق و از این
 راه کارآمدن سازمان رژیمهای
 ارتجائی و دست نشانده منطقه
 صورت گرفت. پیشنهادها کذاشی
 که استتبال سران دولت و حزب
 از آنجا پس از معا مله، خائنه
 اشان با آمریکا بر سر قضیه گرو
 گانها کلا ملامتی نظر میبرید،
 چندی پیش نیز شمس اردکانی،
 سا واکی حرا زده ای که با
 "سیا" ارتباط داشتند و
 امروز بعنوان سفیر ایران در
 کویت و نماینده ویژه آقای
 رجائی در سازمان ملل کسار
 میکند، گفته بود که ما (یعنی
 دولت رجائی) حاضریم بر اساس
 قرارداد ۱۹۷۵ از دولت عراق
 و از مذاکره شروع. سعبارت
 دیگر تماس های ذکر شده دقیقاً
 از وجود سیاست تسلیم طلبانه ای
 در دستگاه خاکمه حکما بهت میکنند که

از قبل، و از جمله اساس
 مراودات شمس اردکانی معلوم
 الحال در سازمان ملل، تنظیم
 شده و اکنون پس از پایان کار
 سازش ننکین بر سر گروگانها
 بگیری میشود.
 تلاش برای سازش با رژیم
 سنی تحا و زکار عراق، مقدمه
 سازش با تحائی ضد انقلاب
 منطقه و سیاست استعماری
 ابرقدرتها در منطقه است.
 چنین سازشی بمنزله خیانت
 مسلم به ملت ایران است.
 دارودسته تسلیم طلب رجائی،
 که از حزب خاکمه دستور میگیرد،
 با تسلیم شدن به خواسته های
 آمریکا در قضیه جاسوسهای
 آمریکائی مقدمات چنین سازش
 همه جانبه، تنگینی را فراهم
 کرده و در صورت عدم مقابله محکم
 با آن، این راه خاشاکه را
 تا پایان ادامه خواهد داد. ما
 بعدها نشان خواهیم داد که این
 دارودسته ای که بکمک یک شکه
 ارتجائی - پلیسی حزبی و سر
 کردگی بهشتی سعی در تصرف
 کامل قدرت و احیای کاسل
 استبداد را دارد، تمایل دارد
 با ساند امیرالیستی ریگان -
 کیس سحر درواشنگتی کنار بیاید
 و همان سیاست های رژیم ملعون
 پهلوی را در کشور ما بیا ده کند.
 اگر جناحی از محافل ضد انقلابی
 لیسرال بدسیاستهای کاسر تر
 چشم داشته اند، این دارودسته
 نیز به سیاست های نیکسونی -
 کیسینجری ریگان یعنی دقیقاً
 همان سیاست ها می که سش از
 یک دهه اخساق و وحشت پلیسی
 را بر کشور ما حاکم کرد، چشم
 دوخته و یک دلیل تحبلی کسه
 این دارودسته، نگار قدس درت
پرست برای آزادی گروگانها
در آستانه ورود ریگان به گناج
سفیدداشت ترساندن ملت تسلیم
نا پذیر ما از این ساند امیریا -
لیستی و تلقین این اعتقاد
سخیف که ما اربابان جدید گناج
سفیدچاره ای جز کارآمدن
نمیباشند. همین دارودسته،
 تسلیم طلب بنا به مصلحت، سیا -

ست سازش با شیطان شمالی -
 شوروی - را نیز دنبال میکنند و
 این دقیقاً با سیاست نیکسونی
 - کیسینجری - محمدرضا شاهی
 دهه پیش از انقلاب در کشور ما
 مطابقت دارند. تمایل این
 بخش از محافل خاکمه کشور
 برای سازش بر سر مسئله افغان -
 ستان و شرکت در تماس های
 مستقیم دولتهای پاکستان و
 روسیه جزء مکتبی از سیاست یاد
 شده است. و از همین حاست که
 باره ای از نمایندگان ونشوی
 نامی در مجلس درباره ساطلاخ
 مزاحمت آوارگان افغانی در
 کشور ما، که از مظلوم حکومت
 آدمکشان فاشیست ساند امیران
 پناه آورده اند، زبان درازی
 میکنند (و بقول خودهای حسو
 سازی میکنند). البته مال
 و برگرفتن جریان در خط سازش
 با سوسیال امیرالیسم روس
 در هیئت افرادی چون حلال
 الدین تارسی در حزب جمهوری
 اسلامی پایه دیگری برای
 توجه هر دو ابر قدرت به ایسن
 حزب و ملحقات آن در دولت و
 دستگاه میباشد.
 امروز طولانی شدن جنگ
 و عدم امکان پیشروی سریع
 جبهه ها، مستحکم دست ایس
 دارودسته، تسلیم طلب داده تا
 از سن ست جنگ یعنی راه حسل
 نظامی در محافل خود دم بزنند و
 آنرا بهانه ای برای تحویر
 با اصطلاح راه حل های سیاسی
 یعنی مذاکره و سازش با دشمن
 قرار دهند. در حالیکه این خود
 شانند که در بن بست اندونسه
 جنگ مقاومت عادلانه مردم ما
 این دارودسته و دولت عوام -
 فریب چون خودشان در جا معمه
 سن ست کشیده شده و دچار افراد
 شده اند. و علاوه ادامه جنگ
 را با وضع حاضر به زیان جناح
 خویش می بینند، دشمنان راه
 نجائی در معاملات منطقه ای
 و طلب بیسیانی ابر قدرتها
 میگردد و حال جنگ را بهانه
 طولانی شدن و اصطلاح در سن
 سقیه در صفحه ۹

پرسش‌های ما . . .

بقیه امرتجه اول —
را در میان بوده، جنگجویان
دامین میزنند و بجای لودست یابی
به مثنی بول سیاه که در سارزار
قدرت در شهران خرج کنند صدها
تن را به کشتن میدهند و سر نوشت
و موجودیت ملتی را در این
جنگ به خطر می اندازند.

با سکا همی دیگری از نقاط
اسرا تزیکی مپی اسکا که از
اوایل جنگ بدست نیروهای
تجا و زکار عراقی افتاد. نیرو-
های تجا و زکار به ما خن-
استحکامات در این نقطه بردا-
خته و این با سکا، اسکی از
سکوهای تعرضی خود در جبهه های
سوستگرد و هوا ز تبدیل کردند.
طبعاً با زسی گرفتن این با سکا
توسط نیروهای با احمیت
ریادی داشته و در دو خصوصاً
غصب کردن دمن اراش نقطه
شهرهای سوستگرد و هوا ز را از
سیررس توپهای دمن خارج
میکنند. در پی سپاه سیررس-
سدانه، سروهای جودی به
دمن دریا نرده، دی - حدود
دور و پس از آن - نیروی ستر-
کی از ارتش، سپاه پاسداران
و گروههای داوطلب برای باز
پس گرفتن با سکا همید حرکت
میکنند و پیروز مندان نه این با-
سکا داستان تزیکی دشمن را به
صرف خود در میاورد. در این
با سکا عیانم هتعتی از سلاح
سگین و سگ و مپنا - و...
بحای مانده بود و نیروهای
عراقی، که عافلیکیر شده بود-
ند، سعفا کشته یا دستگیر و
بقیه هر با ن منواری شده.

اما در این نقطه، اوج
پیروزی داستان غماگیری
روی میدهد: میان افراد سپاه
و ارتش بر سر تصرف غنا ثم و یسا
تقسیم آنها نزاع در میگیرد و
حتی آنها آن نمیکند که این
غنا ثم هتگفت و ذیقیت را،
که به پای خون جوانان مردم
بدست آمده و از آن این مردم
است، از آنجا بکان دهند و
مورا به بخت جبهه منتقل کنند.
طمع کاری و همجسمی میان
ارتشی و سپاهی آنقدر بالا
میگیرد که هر دسته از سیم دسترد
دسته، دیگر به غنا ثم میا شده
بخش عمده، نیروی خود را ما مور
نکپهانی از این غنا ثم میکنند
در نتیجه تنها بخش غیر عمده ای
از فاجحان با سکا هتکپهانی
از خود با سکا و آن ناحیه را به
عهده میگیرند. در این فاصله
نیروهای تجا و زکار دشمن سار
دیگر خود را آرایسن داده و از
قرار با سه تیب برای تصرف
دوباره، با سکا همید هجوم می-
آورند و طبعاً به سادگی قادر
میشوند که نیروهای ما را غافل-
گیر کنند. سخنی از نیروهای
ما شهید و اسیر میشود و سسی
مینواید خود را از مملکت نجات
دهد. ولی در اینجا ما زهمان
هدجسمی دشمنانه با رد بکار
خود را میکنند و نکست را دو چندان
میگردانند. داستان اینکده در
میان این بخش از نیروهای
خودی که ما چاره عقب نشینی
میشوند در باره، سرنوشت آن
غنا ثم دو نظر ظاهراً همیشه بود.
دشمنای بدستی میگوید بهتر
است همه آنها را: سیر و نا بود
کسیم تا دست کم بدست دشمن
نشدند؛ حال آنکه دسته دیگر
به طمع اطمینان، حفظ این
غنا ثم در آن شرایط غافلگیری
از اسکار خلو گیری میکنند.
سعه آن مسود که این بخش
از نیروهای ما سیر و نا هستند
یکه عقب نشینی نخواستند،
موقع و محمولی را از زمان
دهند و با لاجرم هم غنا ثم میا شده
سی کم و کسر دوباره به چنگ سکا

دشمن میا فتد و هم اینکده بخشی
از سلاحها و میمات خود ما نیز
که همراه ما ارتش و سپاه بدانجا
آورده شده بود در آنجا میمانند
و به غنیمت دشمن در میساید.
پس از آن نیروهای تجا و زکار
عراقی، که از این موفقیت
مفت و محاسنی خود، که صرفاً بر
اسراحتلاف و دارو دسته سازی
در میان نیروهای خودی بدست
آورده بودند، حری شده و بیک
تعرض هویزه را سیزد و با ره تصرف
میکنند. که البته یکی دو روز
بعد هویزه دوباره به تصرف نیرو
های ما در میاید.
رودا دغما انگیز با سکا
حمید را به چه میتوان تعبیر
کرد؟ سبب آنرا از کجا میتوان
ناشی دانست؟ این شکستی
نمود که نتیجه نیرومندی دشمن
تجا و زکار باشد. این شکستی
بود که از نیرومندی دشمن
درونی ما، از نیرومندی دیو
حری و آنجا ه طلسمانهای که دارو
دسته های فاسد تهران به میان
جنگجویان ما افکنده اند، نا-
شی میگذشت.
این شکستی بود که بقول
ابونکر در جنگ اُخند سلیمان
در عین چیرگی سرما نازل
کشد، و بقول محمد در همان
جنگ نتیجه، بی ایمانی و سال
پرستی و حاه طلسمی بود. نکدان
رید ما کموبست با هم به این
آقایان و حصرات اسلام با هسی
که در تهران سارایکه قدرت لم
داده و به خاطر ماب و ا حصار
قدرت در میان نوده، جنگجویان
نخم اختلاف و دشمنی و دارو دسته
سازی میکارند... به این
آقایان و حصراتی که گوش فلک
را از سلیمان و خشکه مکتبی گری
خوین کر کرده اند، کمی در پی
از تاریخ اسلام خود شکان را
دهیم. بلکه مردم نام این حصرات
را اگر نه سکوینان برب کنند،
و ورر مندگان ما و حدت خود را
که شرط پیروزی سردشمن انقلاب
و کشور است فدای این دارو دسته -
های مرتجع قدرت طلب نگردا-
ند. طبق روایات سلیمانان

جنگ احد یکی از مهمترین
جنگهای مسلمانان یعنی طرف -
داران جنبش اسلامی برهبری
محمد بود، که به شکست آنها
انجام مید. در این جنگ با آنکه
سپاهیان مخالفان اسلام
(قریش) انبوه تر از سپاه
مسلمانان بودند، در ابتدا
چیرگی با مسلمانان میشود
و دلیل این چیرگی هم بطور
عمده وحدت و اعتقاد به آرمان
مشترکی بود که توده جنگجویان
را به از خود گذشتگی سسرمی -
انگیخت. لیکن اندکی بعد
دشمن، تیراندازی که قرار
بود تا پایان جنگ در ارتفاعات
کوه احد ما نند و محنه، جنگ را
مراقبت کرده و خصوصاً از پشت
حرکت دشمن را سد کنند، ناگهان
با دیدن نخستین آثار شکست
دشمن و روی زمین ماندن غنا -
ثم جنگی بسیاری از اردوی آنها،
همه چیز را فرا موش کرده و به طمع
غنا ثم و برای پیش دستی بر
دیگران سگروهای خود را رها
میکنند و در آن هنگامه مشغول
جمع آوری غنا ثم برای خود
میشوند. غنا ثمی که مراحتسی
پس از پایان جنگ معسرداری
سببتر هم سرحا میماند و سلاوه
متعلق به همگان بود. نتیجه
این طمئکاری این میشود که
پشت سپاه مسلمانان حالی می-
شود و دشمن با استعداد آرایسن
فرصت بخشی از نیروهای خود را
دور میگرداند و از پشت به مسلما-
نان حمله میبرد. بدینسان
محمد و سپاهیان از دو طرف در
محاصره قرار میگیرند و از میان
کشتار بزرگی صورت میگیرد.
مسلمانان در عین غلبه مغلوب
میشوند. اکنون داستان با-
سکا همید همان داستان رزمگاه
اُخداست، با این تفاوت که در
آن زمان گروهی از زاهدان دانی
اسکارها را گرد و این زمان
دارو دسته های از مراط یمنی و
قدرت پرستی اریسن به این
با سکا ها در جبهه های جنگ
دامین میزنند.

مقدمه‌ای در باره

راه سوم

در آذربایجان جلسه‌ای در تهران با شرکت تعدادی از نمایندگان مباحثات نیروهای مذهبی در سالهای اخیر برگزار شد. در این جلسه شیخ علی تهرانی، حجت الاسلام لاهوتی و حاج احمد خمینی و خانم شریعتی رجوی (همسر شریعتی) سار دیگر مسالیه راه سوم را به عنوان چاره، بین سیاست سیاسی کثرتی ارائه دادند و این راه را در طریقی سخنرانی‌ها نشان در نطفی راه‌های جناح‌های مهم حاکمیت یعنی حزب جمهوری و لیبرال‌ها در شرایط کنونی کشور - شکنی‌ها، ضعف‌ها و ناتوانی‌های نیروهای مختلف حاکم و بخصوص استبدادی که در بر گرفته دین توسط حزب جمهوری اسلام می‌احیا میشود، نمی‌توانند مورد اعتراض نیروهای مبارز مذهبی که مدتها تحت سلطوی خمینی به تلاشی آرمانخواهانند علیه میریالیسم و ارتجاع می‌پرداخته‌اند، قرار نگیرد، این که این نیروها با احساس سرخوردگی از سازشکاریها و انحصار طلبی‌های حزبی و لیبرال‌های شریک در قدرت همچونجوی راهی جدید بفریزند، نه‌حسرت‌زای است و نه‌مسالیه‌ای که قابل پیش‌بینی نبوده‌باشد، ما بارها در معاهدات روزنا به حقیقت و در بسیاری اسناد و پروتکل‌ها در نی سوم سواى رهبری حزب جمهوری و جریانات بسوزوزا لیبرالی را در میان طیف نیروهای "ظاهرا" پیرو امام" تشخیص داده و نظرات ساز را را با این نیروها بیان کرده‌ایم.

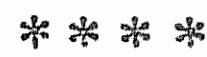
در همین سخنرانی‌ها سواى آمریکا و مبارزه با میریالیستی مشیت است. کمونیستها از مدت‌ها و ضد سازشکاری که در پی آن جریانات

دشمنانه روی از بسوزوزای و جناح‌های ارتجاعی بر حذر داشته و "تصور مسامحات" این رهبران را در رابطه با نگاه طبقه‌ای و ویژگی‌های سیاسی اجتماعشان مورد تحلیل قرار داده‌اند و اینکه هر چند یکساز حقیقت امر به سویی برای "شخصیت‌های" جریانی خردمند بسوزوزای ایران روشن‌تر می‌شود تنها با بدنه‌شان دهندده حقا نیت نظر کمونیستهای ایران باشند.

کارگران انقلابی و آگاه ایران در مسالیه سر علیه نیروهای سازشکار و انحصار طلب حاکم با این جریانی سوم متاسفانه مشترک داشته‌اند. آن‌ها با تکیه بر این جریانی که در حرکت است قدرت در این مسالیه و وطن فروشی که مخصوص در میان سران حزب جمهوری در گرفته است مورد پیشبینی قرار می‌دهند. اما تنها بدنه‌ها موش‌گرد که این جریانی سوم تنها در صورتی مینوایند در تلاشهای خود به موفقیت‌های واقعی دست یابند که دست از انحصار طلبی بردارند و در مسالیه سر علیه انحصار طلبان آماده وحدت با نیروهای انقلابی باشند و اگر نه این جریانات خود را شکست

خورده و بی‌اساس سیاسی جدیدی را موجب بشود و یا حتی در صورت کسب پیروزی‌های نسبی و جلب پشتیبانی توده‌ها پس از مدتی همه دستاوردها را بحساب یکی از دو جریان اول و دوم واریز میکنند و با زهمان داستان کهنه تکرار میشود. تحریر اشغال جا سواى نه و تضییع گروگانگیری و همچنین سر نوشت طرح اطلاعات ارضی را صافها تی گواهی بر صحت این مدعا است.

کمونیستهای ایران با درک موقعیت متفاوت این جریانی سوم از دو جناح اصلی حاکم باید در بر خورده‌باشند آن سیاست متفاوتی در پیش گیرند و از مسالیه این جریانی سر علیه اسپرالیسم و حزب جمهوری اسلامی و همچنین سازشکاری لیبرالها پیشبینی کنند. کمونیستها و کارگران انقلابی ایران باید در مسالیه خود را دشمنان ملت و سازشکاران از جمله راهبان این جریانی سوم را نیز همکارى بطلبند و به مسالیه این جریانی گسترش و عمق بخشند.



سؤال!

آیا رابطه‌ای میان لغوناگه‌تی بخش تلویزیونی جنسی و سازش سر عرضه جا سواى آمریکا وجود نمی‌باشد؟

پس چرا دقیقاً در زمان طرح و بحث لایحه‌های سر سواى بد این قضیه بخش تلویزیونی این بهمنها قطع شد؟

اما آنچه که در شرایط کنونی به این حرکت ویژگی می‌بخشد، این است که تلویزیون جدید جریانی سوم که با ردیگر ایران وجود میکند این سازشکارانکه از سخنان سخنوران جلسه‌ای که اشادند بر می‌آید در اساس با مدعیان طبعی نسبت به انحصار طلبی‌ها و ارتجاع گریه‌های حزب جمهوری اسلامی به میدان آمده است، در عین اینکه مراقب است تا در مقابل با حزب ارتجاعی در اردوی لیبرال‌ها و هم پیمانان نشان هم قرار نگیرد.

این جریانی سوم چیزی نگرواگشت خرد بسوزوزای ایران بر علیه حکامی که نمرات انقلابش را هر روز در زیر پای خود با در پیش میزهای مشتاق وحدت لگدمال میکنند، نسبی باشد. سرخوردگی و ستوه‌آندنی که گامش با همین خصوصیات در محافل مختلف در سواى با ساداران بسج و بسیاری نهادهاى دیگر نیز سر برافراشته است و تفاسد خود را با دو قطب در قدرت هر روز آشکارتر میکنند.

سرای طبقه کارگران سرخوردگی و خروش خرد بسوزوزا واهای ضد میریالیسم سر علیه نیروهای ارتجاعی و همچنین در همین سخنرانی‌ها سواى آمریکا و مبارزه با میریالیستی مشیت است. کمونیستها از مدت‌ها و ضد سازشکاری که در پی آن جریانات

اخباری از گیلان

تصفیه دانش آموزان مبارز در لاهیجان

در روز ۵۹/۱۰/۱۸ اخراج کردند که با اعتراض وسیع سایر دانش آموزان روبرو شد.

۶ در دبیرستان مخصوصه متحدین، که مدیرش خواهر ابوالحسن کریمی - دادستان انقلاب!! گیلان - و خود یکی از فعالین "مکتب نرسی" می باشد، دست به تصفیه ۷ نفر که اکثر آنها در محاهدین بوده - اند می زدند.

دانش آموزان مبارز در بی اخراج این عده که همگی پس از صدور بخشنامه ای توسط کریمی به مسئولین آموزش و پرورش این شهرستان محام گرفتند، در تمام مدارس دست به اعتراض زده و با نوشتن روزنامه های دیواری این عمل سی شرمانه را محکوم کردند.

در پی این ماجرا، در روز ۵۹/۱۰/۲۵، مسئول آموزش و پرورش به دبیرستان قیام آمد و برای دانش آموزان صحبت کرد. از سخنان ضد و نقیض این شخص که از عوام مسل حزب جمهوری است چنین بر می آید که تصفیه ادا می خواهد بود. وی گفته: "من میخواهم که از اخلاص!! دست بکشید... آن عده ای هم که تصفیه شده اند با پدر و مادرشان سیاستمدار آموزش و پرورش و اگر تصفیه دادند که از اخلاص دست بردارند، آنوقت دوباره میتوانند به مدرسه بیایند و گرنه سنا به صفحه در صفحه ۹۹

احیرا عواد مل - حزب جمهوری در لاهیجان، در ادامه فعالیت های خرابکارانه و ضد انقلابی خود دست به اخراج ۲۳ نفر از دانش آموزان مبارز دبیرستانهای دخترانه "قیام" و "جسوه" متحدین" (که حزب اللیپی ها نام آنرا به "توحید" تغییر داده اند) زده اند. اتهام این دانش آموزان مبارز، با اصطلاح "اخلال در مدارس آموزشی"!! می باشد. ۱۶ نفر از این دانش آموزان که هوادار محاهدین حلقی بودند از دبیرستان قیام

'پاسداران جنگل' یا پاسداران اختناق؟

سنا از مبارزات قهرمانانه کارگران چوکا و اخراج پاسداران در اول فروردین ۵۸، حدود ۷۰ نفر پاسدار بستوان "پاسداران جنگل" با حکم پرسنلی شرکت وارد کارخانه شدند تا مانع از قطع اشعار حکمی شوند. ولی در واقع

اینها نه برای پاسداری از جنگل، بلکه برای سرکوب مبارزات کارگران و نیروهای انقلابی منطقه آمده اند. نمونه آن زندانی نمودن ۱۲ نفر از هواداران محاهدین رضوان شهر در مقر پاسداری درون کارخانه است.

دعوی قدرت بر سر تصاحب مقامات در

کسارخانه ها

احیرا - در جریان جنگ - حزبی ها با فکر تصفیه کردن کامل قدرت در تمام سطوح بر آمده اند و تا آنجا که تیغشان میبرد، برای زدن رقیب کوتاهی نورزیده اند. از جمله آقای انصاری - استانبندار گیلان - کارخانه ها - بی را که مدیر بستوان بهینی صدر و دسته او تایل دارند، در مضیقه قرار داده و بر سردان کا زوشیل و بیترین و با بر سر مواد اولیه کارکنی و اشکال تراشی مینماهند. از طرف دیگر، حزبی های دو آتش در کارخانه ها، سنا گیلان مخالف سر سخت مدیریت میگردند. همان کسانیکه تا چندی پیش مخالف سر سخت شورا و اتحادیه ها بودند و حتی در اخراج سنا - بستگان شورا نقش موثری داشتند، هم اکنون مخالف مدیریت شده اند. ولی تاکنون موفق به اجرای برنامهم خود نشده اند. چرا که "مکتبی" های تازه دوران رسیده فاقد تخصص هستند و مهند - بین کارخانجات صاحب تخصص بیشتر از مدیریت فعلی دفاع می نمایند.



'تهدید کارگران آگاه'

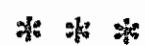
در روز پنجشنبه ۱۰/۲۵ ۵۹/ در کارخانه کاشی سازی سرمیت واقع در شهر صنعتی (رشت)، سخنرانی های وسیع توسط مدیر عامل کارخانه و یکی از اعضای سابق شورا ایراد شد. مضمون سخنرانی ها تهدید کارگران آگاه و انقلابی بود. مدیر عامل در طی سخنرانی خود گفت:

اکنون مقداری از سهام این کارخانه ها و استه به دولت و مقداری هم به تعدادی از ما - همان "غیرطاعتی"!! ساز مانده از قبیل تعلق دارد. تولید این کارخانه پس از انقلاب امزاش با فداست، وسعت است مصرف داخلی زیاد، اکنون تولیداتش بیش فروش میشود

دزدی حزب جمهوری

از کمکهای مالی مردم

کارگران و کارکنان کارخانه "لامپ سازی پارس" - شیبای "رشت" مبلغ ۲۲۰/۰۰۰ تومان برای کمک به آوارگان جنگی جمع آوری نموده است و بگفته اند که به سنا بستگی از طرف کارکنان اسباب و مبلغ ۱۱۰/۰۰۰ تومان به حساب دفتر امام ۱۱۰/۰۰۰ تومان دیگر را بحساب دفتر ریاست جمهوری واریز نمود. پس از چندی یک نفر از طرف حزب جمهوری مسی آیدونما بنده فوق را مورد بازخواست قرار داده و با زبان بی زبانی به وی حالی میکنند که می توانند مساعی را که بحساب ریاست جمهوری واریز نموده است به حساب حزب بریزد!! ولی سنا سنده مبرور بر سر رسمی رود و تهدید میکنند که کرمانا اصرار کنند، کارگران را جمع کرده و از آسان بطرحواهی بمعمل خواهد آورد، چون سروشی میداند که کارگران حاضر نیستند پس پول را به حزبی ها و یا هر ارگانی که زیر نفوذ حزبی است واریز نمایند.



مبارزات دهقانان گلپر در علیه داداشی

فئوال بزرگ

به آئینا نداده و اسن حرمان
دهقانان ادا مه دارد.

دهقانان مرفه در ابر
مبارزات همسه سیاست "سی

طربانه ای "را افتخا میگردند
که بنول خودشان "نه سچ سو-

زدونه کتاب "که صرف نظران
هموسی کم ربک آنها سا این

مبارزات خواهان سازش بین
دهقانان فقیر و مالکان میا-

شند، آنها در اکثر موارد حبه در
حنش دهقانی در گذشته و هم

اکنون رهبری مبارزه را در دست
میگرفتند و مانند حلقه ای بین

دو طرف عمل میگردند. اسن
مسئله همچنین در تمام بروسه

مبارزات دهقانان "گلپر"
بوجه مبارزی خود نمایی میگرد.

"هواداران اتحادیه کموسمت
های اسران" - آه -



سدا زب آن و آتمه دهقانان
برای حفاظت ارده در مقابل

توطئه عوامل مالک به یادی
می برداختند.

روز سه شنبه مجددا دهقا-
نان بطور جمعی بدسما رستان

شهر رفته تا از رحمی ها عسادت
کنند و همچنین حیدر ن شهید

را حویل بگیرند. ولی گوینا
داداشی قیلا حبله ویا خریدن

بیزنگان سمارسان نامه ای
مینی سراسر آن زن سملست

سگته فلسی مرده است، خود را
بی گنا جلوه میدهد. در همین

راسطه در شهر داداشی قاتل و
زمن خوار توسط دهقانان و سه

کمک عده ای از مردم شهر
دستگیر و به دادگاه انقلاب

تحویل داده میشود. دهقانان
با تجمع در مقابل دادگاه

انقلاب خواهان محاکمه و اعدام
وی و معا دره گلپر زمینهای

داداشی خائن میگردند. ولی
تاکنون دادگاه انقلاب حواسی

معا دره، زمینها و همچنین شو-
طنه ها و سبیدسات داداشی ار

حبله سسی سر عدم دادن زمین
برای نصف کاری در کشت آبنده

به دهقانان، مبارزات وسیع
تری را آغاز نمودند که حتی

به رد و خوردن عوامل داداشی
و دهقانان در روز دوشنبه

۵۹/۱۰/۲۹ منجر میگردد. که در
سندجه مبارزات دهقانان سه

چون کشیده میشود. ما چرا از اسن
برار بود که: دهقانان زمینکی

در ادا مه مبارزات حق طلبانه
شان در جهت گرفتن زمین برای

نصفه کاری سال آبنده و تفرس
مالک یا توجه دزخمی کسه

دهقانان با ضبط تمام محصول
در گذشته به وزده بودند و تفرس

اراسکدر زمینها توسط دهقانان
معا دره کرده، در روز دوشنبه

با احیر کردن عده ای جماعتدار
و عوامل سردور خود سه سر و

شتم دهقانان برداخت که در
اسن گلپر و اسرک زن رحمنکس

شپت و عده ای از دهقانان زخمی
گردیدند. دهقانان سلاطه

علیه داداشی به داد ساسی و
پاسگاه شگابست نمودند. ولی

نه تنها در جهت دستگیری داداشی
و عوامل وی شح اقدامی

نشد بلکه جا بس مالک را گرفته
اند. (لازم به تذکر است که

دادستان انقلاب آمل سسام
"فرجی آزاد" که یکی از عاملین

حرب ارتعایی در روزی اسلامی
مساند در تمام مبارزات

دهقانان به شکلهای مختلف
به حمایت از فئودالها سسی

مانند داداشی برداخته است.
نمونه هایی از آن عبا سست

از "کاماسی" زمیندار سررک
رزنای "تاره آباد" و حمایت

از فئودالهای روستاهای
"داودکلا"، "هنبل" و "آهنگر

"کلا" میباشد. (بهر حال

روستای "گلپر" بسا ۲۱۹
خانوار که عمدتاً سی زمین و کم

زمین میباشد. در ۱۵۰ کیلومتری
آمل واقع میباشد. دهقانان

و حمتکش اسن روستا سالسان
در از نحت ستم و بهره کنی سسی

رحمانه، فئودالهای اسن
روسا سام برادران داداشی

که در حدود ۸۰۰ هکتار زمین مر-
روعی را تحت سلطه خود دارد.

برار گرفته و از طریق ستم
کاری امرار معاش میکنند.

صرف نظراً از مقدار زمین
که در دوران رفعم ارضی

امیربالیستی و بعد از آن از
طریق ساندیازی غصب نموده.

مالک چندین هکتار باغ مر-
کتاب، کارخانه سالی کوسسی

و مسعلات دستگیر میمانند.
همچنین از طریق ربا خواری.

چون رحمتکشان سه روز و سسا
را اسل و ارمکده و سه زندگی

انگلی خود ادا مه میدهند.
در همین راسطه مبارزات

دهقانان کم زمین وسی زمین
بر علیه ستم و جبا و لگری داداشی

و حول معا دره، زمینهای
آنها به اشکال مختلف بسرور

میکنند. این روستا اسن چندس
سار از طریق ستم و شکابست

بر علیه مالک به داد ساسی و
هیئت ۷ نفره ارسال داشتند

ولی شح کام موثری در جهت
معا دره، زمینها ستم دهقانان

صورت نگرفت و شکلهای مختلف
مساب مسئول رحل اسن

مسئله طنز و رقتند. تنها چندس
ببین هنگام برداشت محصول

ساقش زباده دهقانان سه هیئت
۷ نفره، حکم ضبط کل محصول

(سرمج) توسط دهقانان سسی
زمین و کم زمین وعدم برداخت

نصف محصول به داداشی به اجرا
در آمد. ولی ستم عدم حبل

خواست، اساسی شان ستمی

گزارشی از روستای سنگ بست - آمل

روستای سنگ بست در حدود ۱۱۰ خانوار است که ۳ خانوار از

آنها حدود ۷۵ هکتار زمین دارند. مالکین این زمینها سنام های

"غلامرضا عبیدی" ولی الهولاسی و تکرالهولاسی میباشد که نفوذ

زیادی در انجمن اسلامی و سارارگانها دارند. دهقانان سسی

زمین در حدود ۳۰ خانوار و کم زمین ۱۰ خانوار میباشد.

مالکین این ده زمینهای خود را - به ستم کاری و ستموت

به سس زمینهای دهات اطراف سندا سدا سس ا مر بیشتر ساطر

و حنت و دلبرده مالکین از دهقانان سنگ بست میباشد که سادار و -

زی زمینها را معا دره میکنند. ۴۰ خانوار دهقانان سسی زمین و کم

زمین حواهان گرمین زمینها بصورت ستمه کاری میشوند که ساسگو

مشوهای زیادما لکن اسن روستا به معالفت می بردارند.

نماینده دهقانان چندین ساربا مالکین تماس میگیرد و

صحت میکنند که آخرین ساردرگیری سس آنها بوجود آمده و اسادی

مالکین سکتک زدن نمائنده و آسب سار سندن به دستگاه ستماسی

اش او را و اسه سمارستان میکنند.

دهقانان نیز بطور ستمی شهر میآ سندن و سشار "مرگ بر

عبیدی" به داد سس ای انقلاب اسلامی رفتم و خواهان مبارزات سمدی و

ساربا لکن میگردند. قرار شد از طرف دادستان سس سمانده ای به

آن ده نفر ستم و سه کارها رسیدگی کنند.

پیام يك مادر

به اتحادیه کمونیستهای ایران

هستم که برای خودمان می - جنگیم و مزدور برای دیگری می جنگد و روزی میرسد که آزادی خلقها و آگاهای خلقها محلی برای وجود مزدوران باقی نمی گذارد .

اتحادیه کمونیستهای ایران راهی را طی میکند که رهائی همه خلقها را در پی داشته باشد سوده، منجم و مصمم همگام و نسل به نسل تا بیروزی تفنگش را به فرزندش می دهد و وارثان جنین خونها برای خستگی تفنگشان را به زمین نمی گذارند هیچ بدوش هم نمی گزینند بلکه یکسره ضلیم میکنند و بی توقف به پیش میروند تا آزادی و استقلال و بیروزی -

از "ن" - هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - کرج

که هنگام مادر این نبرد تحمیلی و بحق است و این تشخیص درست و موثقی صحیح از تو " اتحادیه کمونیستهای ایران " بود که ره نمودم دادی و امیدی که به آزادی از زیر بار ابر - قدرهای آدمخوار انسان نما به من دادی قدرت جنگیدنم داد . رفیقم ، همسنگرم

سعی کن وسیعی میکنم که از این نیت من که نتیجه این تبا و زبید است و مزدورنه محق است و نه مومن و نه دیشتمانی ملتها و توده ها را دارد . درحالی که ما خود ملتها و توده ها

است که برای آنها جان می - نازید و بداند از حبه های جنگ حماسه استواری سان بگوش میرسد و بزودی همه ما سربازان خواهیم نشست .

رفقای خوب بدبالتان می آئیم که راه درست را بیمو - دیدما هم می رویم ، کینه ها ، با ما هم می رویم و نشنگها - بمان را با هم تفسیم میکنیم ، این برای صدام ، این برای شاه حسین و این برای سادات و بگن و این برای نوکران آمریکا و ایدگرا بر قدرتهای خون آثا می چون روسه یا چین و ... که دندان در کلسوی فرزندان ستم دیده ما ننگر و سرده اید و چون زالوا و چون خلقهای زیر ستم تغذیه میکنند کافی است .

رفیقانم ، همسنگرانم غم مرگ عزیزان تکه پاره شده و خاها و سرزمین و سران سده و کرسکی و دردمان را با هم تقسیم میکنم تا بتوانیم سر دوش بکشیم آخر ما توده ها شیم و میتوانیم هر باری را بسندوش کنیم . بدون شک هر سجن پرس به خاک افتاده ای میریادی - زند : همسنگرم نگذار از پا بیفتیم ، زیر بار زو انم را بگیر که من هم زیر بار زوی دیگری را گرفته ام و با این همستگی زنجیر استعمار را به زنجیر اتحاد و بیروزی مبدل کنیم .

رفیقانم ، همسنگرانم از آنکه نشان کوچکو رفیقان نشان را دیده حسود می بالم که با ما را هزار قسمت میکنم و قدرتمان را با هزاران رفیق روی هم میریزیم تفنگم را دوست دارم که ما می توده های ستم کشیده است و توده ها را بیشتر دوست دارم

پیام گرم و بیروزی را از یک مادر (رفیق "ن") دریافت کردم . از بنسبانی های معنوی این رفیق - سپا گزارم . در زبورتان نامه ایشان و شری از این رفیق را ملاحظه میکنید .

رفیقانم ، همسنگرانم شما که موضع به حق خود را در پیشتانی ار ملت و توده های ما علیه جنگ تحمیلی صدام فورا بوسیله نشریه حقیقت ارکان اتحادیه کمونیستهای ایران اعلام داشتید و شما که عملتان در شتافتن به سوی جبهه علیرغم هر گروه چپ نما و طاهربین پشتوانه تصمیمتان در همگامی با توده های ملت برای بدست آوردن حق

مصلحتان و سرکوبی نجان و زگران صدامی بود ، شما که نوکران آمریکا و هرا بر قدرتی را فورا انگشت نما نموده و در مساره ها آنها اولین همگام ملت بودید ، خبرچانی و مبارزات سر - سختانه تان همراه مردم همه حساب بگوش محورد و ملت می سمد که اتحادیه کمونیستهای ایران علیرغم موضع گیری های گونا - گون گروه های دیگر همه جا همگام مردم مورد تاج و زقار - گرفته ، ما توده و با چه روحیه و جانمازی چگونه ضربه ها - مزدوران مدامی وارد کرده و می کند .

دست بر سر ادرضا ، شهدایان رده با دو مرتب بار و امان همیشه سر ، رهبا طلبهای ما را با خود داشته باشد که بزودی بد شما ملحق خواهد شد ، شما پیشتان ما بیدا شد که تصمیمتان درست و راهتان راه ما و همه توده های

عمر اگر زیر ستم بنده صفت گردد سر مرگ سرخ است بمیدان شرف اولی قرب

مرحبا دست مریزا در رفیقان عزیز
نگذار بدسرا این راهزان راه گریز
نامهای داشتیم از سنگر آبادان سود
نامهنیک سندا ز همسایه بیمان بود
حسرت ز موحسا سه ز شلالش رفقا
سندیده ، جان بسنگن ملات
یک سه یک بین سطورش شهدا شنشسته
چون با شده بر آن خط و نشان ایسان
دوده و خاک چونان مهر تعهد سر آن
حرف جان سازی و اسار محمد و محمد
نا در رمحتی و محمود رفیقان شهید
ای سوینده ، این با ما بگوباز بگر
از با با احمدی و سنگر و خون دادن او
بگوا ز حبه و شبهای پراز قصه آن
وان سروی که رفیقان همه خواندند بخوان
بگوان را که همه مردم یکدل گفتند
بگوان گفته که بیگام مین اسدی
وقت شگ است و بخروجک ، ره دیگر نیست
دشمن این گرگ تاج و زگرایان هاراست
که کشته ذره ای از بهره ، ستم مرده دست
عمر اگر زیر ستم بنده صفت گردد سر
مرگ سرخ است به میدان شرف اولی تر

شعار "ن" یکی از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران - کرج

بزرگ بود...

سفیدار صفحه ۴ -
 سب بودن میخواستند و سبیله -
 ای برای این معاملات و جلسبات
 رضایت سبگانه تبدیل کنند
 (همانطور در مورد جاسوسیهای
 آمریکائی کردند) تحریکات
 عوامل مغربیان آنها برای تحمیل
 عملیات تجاری بی حساب
 کتاب وزودرس در جبهه ها ، کسه
 در آدان تلفات ریجادی
 رابا عتگشت ، پرده دودی است
 که آنها در پس آن چهره های
 سازشکار و اهل معامله و مذاکره
 خود را میپوشانند و علاوه در عمل
 به سر خوردگی درون جبهه ها ،
 کدز مینه هرگونه سازش و معامله
 تسلیم طلبانه است ، دامنه
 میزنند .
 تنها راه حل عادلانه و
 سودا انقلاب هر دو کشور ایران
 و عراق در این جنگ راه حل
 جنگ علیه جنگ ، سبط و تقویت
 مقاومت مسلحانه سلب و در هم
 شکننننننننننننننننننننننننن
 بعضه توطئه گرانه پشت آن در
 همان رزمگاه های است که دشمن
 گشوده است . مهم بیست و بیست
 جنگ چند ماه و چند سال طول
 نکشد . اگر مردم متحد و استوار
 ایستادگی نشان دهند و تفرقه
 افکنان و تسلیم طلبان را در پشت
 جبهه ها سر جای خود بنشانند و بر
 روشهای دیوانسالارانه ها کمبر
 جبهه ها ، انحصار طلبی های
 ارسامی و اخلاقی سرجسی
 گروهک های با اصطلاح اسلامی
 دوا تشنه فاشی آینه و جهت توده -
 ای جنگ را گسترش دهند ، سر -
 انعام پیروزی از آن سا خواهد

بود . این توده های بزرگی سه
 اسر قدرت ها ، به آمریکا و نوکرا -
 نش خواهد بود ، آنها را از
 گستاخی شان پشیمان خواهد
 کرد ، به روحیه مقاومت و مسا -
 زه در برابر سرمنطقه دامن خواهد
 زد و خصوصا آنها را بندگان گسترش و پیر -
 زوی انقلاب در عراق را سرعت
 خواهد بخشید . پیروزی در چنین
 جنگی حراب و حمایت مردم را
 در سردسای های امپریا -
 لیستی بالا خواهد برد ، بنیاد -
 های جنس صدا امپریالیستی
 را در کشور محکم خواهد کرد و از
 توسعه سر خوردگی در میان مردم
 و رکود انقلاب در کشور جلوگیری
 گرفت .
 راه حل مذاکره سیاسی
 یعنی سازش ، چاروا تمسک
 منقسم با سعی های تجار و رکاب
 پیش برده میشود و چاروا مسا -
 نجی گری یک کشور ثالث عملی
 میگردد و چه با جلب مذاکره اسر
 قدرتها صورت میپذیرد ، نه تنها
 دادن امتیازات نا حقی را که
 دشمن تجار و رکاب را با نشن
 در برابر خواهد داشت بلکه مقدسه
 فائل شدن منافع و امتیازات
 و حقوقی برای اسر قدرتها و
 رژیم های ارتجاعی و دست نشا -
 نده منطقه خواهد بود . افرادی
 این سازش اسر قدرتها و رژیم -
 های دست نشانده ، آنچه در
 منطقه هر کدام برای بهره بردا -
 ری از شرایط بحرانی کشور و
 نفوس سیاست تسلیم طلبانه
 حاکم بر دولت حراب و حمایت
 خواهند یافت و با امده اینکه
 اینها نیز با مقدار زیادی
 و ارتعابگری و اعمال رورس
 چیزی خواهند رسید سایر های
 خود را بر ملت ما خواهند
 امزود . فردا با کسان ادعائی
 را در سلوچستان طرح خواهد
 کرد ؛ ترکیه مسئله ای را در مرز
 غابش خواهد کرد ؛ اما راب
 مسجده عربی حراب طرح ما -
 لکنت جزایر ما را در غلبه
 خواهد یافت ؛ و افغانستان دم
 از با اصطلاح دخالت ایران در این
 کشور خواهد زد و در پشت همه آنها

شیاطین جنوب و شمال یعنی
 آمریکا و شوروی نقشه های
 توطئه گرانه خود را در پیاره
 کشور ما گامها گامها اجرا -
 رده و حتی دولتهای امپریا -
 لیستی یا دنده را با در مدد کص
 امتیازات گذشته و جدید خویش
 بر خواهند آمد . راه حل مذاکره
 و سازش راهی است که سر انجام
 آن یا اسنقرا و تحکیم یک رژیم
 ارتجاعی دست نشانده و سفاقت
 فاشیستی در کشور ما خواهد بود
 و یا کشور ما را تکه پاره خواهد
 کرد و همان قصابی دوره مشروطه
 یعنی تحزیه و پراکنندگی سیاسی
 و تشکیل مناطق نفوذ را در بگر
 تکرار خواهد شد . عمق راه حل
 خیانتکارانه ای را که ما میان
 راه حل مذاکره و سازش میبینما -
 پنداز همین جا میتوان مشاهده
 کرد . این هشدار است که
 مردم ایران و اسر نقلاسیون و
 همه میهن پرستان کشور ما
 ما به جنگجویان دلبری
 کدا مرز در صحنه اسر قدرتها
 طلبانه در غرب و جنوب کشور از
 استقلال کشور و اشرف و حیثیت
 ملت خویش دفاع میکنند ،
 تا کید میکنیم که در سرگرمی های
 خود محکم با بیست و نوزده گزشتن به
 راه حل های سازشکارانه ای که
 در حلقه معالسل بی رگ و غیرت
 تهران مورد بحث و بررسی قرار
 میگردد ، ندهند . که امروز
 نجات ملتی در دست شماست .
 سرنگونی با آنها بی کسه راه
 تسلیم در برابر اسر قدرتها را
 در پیش میگیرند و قدم مذاکره
 و معامله دارند !
 ما نیک اطلاع داریم که
 سیاست تسلیم طلبانه و خفت بار
 دولت در قضیه گروگانهای
 جاسوس چه تا شیرمعی و حراب
 کشته ای در روحیه رزمندگان
 جبهه ها اعمال سازد و سرباز
 و سحی و اطلب گزاره است و
 نا چه جدا آن را در ساره بحولات
 سربمی که تحت لوای مکتسب و
 کذا در سمت سازش با قدرتها
 که ما هم اکنون در حال جنگ با
 آنها هستیم رخ میدهد ، بگسران

گردانیده . طبعاً ما ز شها شی
 که در پشت جبهه ها و از فرا ز دریای
 خون شهدا با ما ملان این جنگ
 تجار و زکارانه صورت میگیرد ،
 نمیتوانند در دل رزمندگان
 جبهه ها دارای چنین تاثیراتی
 نشا شود به ایمان و حماسه نشان
 ضربه نکند . این سازشها
 سمنزله خنجرهای زهر آگینی
 است که از پشت سر مردم در حال
 جنگ ما وارد میشود . اینست که
 در میان توده « جنگجویان در
 جبهه ها خصوصا در میان آنها شی
 که از راه اعتقاد به یک آرمان
 مذهبی و توهم نسبت به دعای
 با اصطلاح مکتبی دولت کذا شی
 سببترین رشادت ها را از خود
 نشان میدهد ؛ اکنون بسک
 حالت سر خوردگی ظاهر میشود
 در باره آینده این جنگ ،
 در باره ریختن این همه خونهای
 پاک ، که با این سبب می -
 تواند لگدمال گردد و به وثیقه -
 ای برای معاملات و سازشهای
 بین المللی سادشمان نشان
 تبدیل شود ، دچار تردید و سوز -
 لزل شوند .
 لیکن با این حال ما به
 آنها میگوئیم که : مقاومت
 قهرمانانه شما بطرایسن
 دولت و دستگا و وفلان دسته بود
 حو و متقلب در تهران نمیباشد ،
 بلکه بخاطر آزادی و استقلال
 این کشور و سکردن راه نمود
 و سلطه گری اسر قدرتهاست .
 مقاومت شما ، ایستادگی گردا -
 نه شما در سنگرها و محکم بدست
 گرفتن سلاح های پتان ، بزرگ -
 ترین پشتوانه ای است که مردم
 ایران میتوانند با تکیه بر آن
 در برابر موج سازش و تسلیم طلبی
 در کشور ما مقاومت کنند و ایسن
 موج را در هم شکنند . باید متخذ
 بشوید ، به نیروی اتحاد خودتان
 و به پشتیبانی مردم تگاء کنید
 و هرگونه سخنه سازش و تسلیم را
 محکوم گردانید . که تا شما متحد
 با شید و با استادگی کنید و تن به
 راه حل های سازشکارانه تهران
 نشیمان سدهید ، دارودسته های
 بقیه در صفحه ۹

سیاحت و تفریح ...

سخیه از صفحه اول - در سال گذشته نیز بخش مهمی از مبارزات کارگران بود و وظیفه آن شوراهاست متعذری دستنخورش تغییرات گشتند. در پیروسی این مبارزه شوراها را زیاد با دیده خود را از دست دادند و با حسی سرنگون شدند و در برخی دیگر از کارخانجات از درون این مبارزه شوراها را جدیدی بوجود آمد و با تحکیم گشت. بنسوان مثال " آنها دید شوراها را کارگری گیلان " در سال گذشته از پیروسی این مبارزه بیسرون آمد که مرکب از بیش از ۳۰ تن شوری کارگری در سطح گیلان میشود. با توجه به این نکته از هم اکنون میتوان پیش بینی نمود که شدت و ضعف این مبارزه هر چه باشد شوراها را کارگری از تا شیرات آن بی سبب نخواهند ماند و از درون این مبارزات میتوان شدت قدرتمند تر و با ضعیف تر بیرون آید. از این رو کارگران پیشرو و شوراها را کارگری در برخورد به این مسئله و انتخاب تا کنون در پیشبرد مبارزه با بیستی بسیار رهوشا را نه عمیل کرده تا بتوانند کارگران را هر چه متحد تر و تشکیلات آنها را مستحکم تر از درون این مبارزه بیرون آورند.

مسئله سودویزه اما سال ویژگیهای خاص خود را دارد. در سال گذشته اگرچه دولت، با تدوین آئین نامه ها و بخشنامه ها میخواست ست سودویزه را نبردازد، اما بهر حال در مقابل یک حرکت عمومی معیوبه برداشت میلیتی

بنسوان سودویزه در اکثر کارخانه ها شد. اما اما سال مدتی قبل از فرارسیدن موعد برداشت سودویزه یعنی در تابستان ریسیخ نخست مردان اما سال قانونی از تعویب " شورای انقلاب " گذشت که بر طبق آن مجموع سودویزه ریاداش وعیدی کارگران به دو ماه مهمل عسوق تقلیل یافت. در نتیجه در پایان سال کارگران در مقابل این " استدلال " دولت قرار میگرفتند که چندین ماه است قانونی به تعویب ریسیسد و مجلس هم که هنوز آنرا تغییر نداد و وجهه با دیده آن گسردن بگذارند چرا که بقول خودشان تصمیم خلق الساعه ای نیست. همان زمان که این قانون تصویب شد اعتراضاتی صورت گرفت اما از آنجا که مبارزات کارگران با هنوز تابع حسرو مدخود بخودی خودش میباشند از طرف دیگر این مبارزه نیز فطری است هنوز موعد سودویزه فرا نرسیده بود و کارگران نسبت به آن حساسیتی نشان نمیدادند. بهر حال حرکت نیمه کاره کارگران چایی و برخی اعتراضات کنترل شده از طرف حزب جمهوری (سه) آن بیشتر خواه هم برداشت اعتراضی از طرف کارگران صورت نگرفت. اما از همان زمان برخلاف سربانی نقطه نظرسرات انحرافی چپ نمایان منی سر اینکه جنبش کارگری هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه اقتصادی با سر شده است و در نتیجه به حذف سودویزه اهریتی نمیدهند. روشن بود که مبارزه کارگران در موعد مقرر و با رو بر شدن عملی با این مسئله شروع خواهد شد. و امروز طلبه این مبارزه که ساختار جنگ و اوضاع سیاسی و اقتصادی موجود بحث های سیاسی متعددی را به پیش میکشاند. هم اکنون مشهود گردیده است. کارخانجات متعددی چون دخانیات، پاکمان، لیلانسد، ری اوواک، کانا دارای ... شاهد مبارزه کارگران در این

زمینه بوده و در اکثر کارخانجات دیگر نیز اگر شورش است این شوراها بر سر این مسئله از طرف کارگران زیر فشار قرار گرفته اند و اگر شورش در کار نیست این بحث در میان کارگران در جریان است.

بدین ترتیب از یک طرف کارگران در مبارزه ای بسزای گرفتن سودویزه خود را زنده اند و از طرف دیگر دولت چنین تصمیم گرفته که بهیچوجه سودویزه برداشت نگردد و با لطمه در چنین راهی صرفا دلایلش و انگیزش به قانون معویه مرداد ماه سال جاری نبوده و مسائل سیاسی و چون جنگ و اوضاع سیاسی و اقتصادی هر چه پیش میگردد. بنسوان مثال وزیر کار جدید جناب محمد میر صادقی که قبلا مسئول شرکت های مصادره شده در بنیاد مستضعفین بوده است، در جلسه ای بتاريخ ۱۲ دی ماه با شرکت بیش از ۸۰ تن شوری کارگری در مسجد صاحب الزمان رسما اعلام کرد: " در مورد سودویزه دو مسئله وجود دارد. اول این که دولت مواخبا مشکلات مالی است و دوم اینکه طرح مذکور قبلا تصویب شده است. من قول نمی دهم به آنچه که میخواهد برسد زیرا اگر طرحی دیگر هم سال برای سودویزه تدوین گسردند نمیتوانند بطور عمده دلالت اجرا شود و به سال آینده موکول خواهد شد. بهر حال سودویزه هم سال دو ماه است و احتیالا یک تغییر کوچکی که زیاده شمر نیست در آن داده خواهد شد. " همانطور که ملاحظه میکنید جناب وزیر کار آب پاکی را روی دست همه ریخت و گفت اما سال از سودویزه غسری نیست. البته آن " تغییر کوچکی که زیاده شمر نیست " را نیز بسدا چنین شرح داد که به مقدار ۱۰٪ دو ماه حقوق کارگر بمبلغ سوادا فانه گردد اما ۵٪ آن مستقیما به حساب جنگ زدگان برود و ۵٪ دیگر نیز به حساب تمام و نی های مادر که البته تحت کنترل خودشان است ریخته

شود. البته آقایان حج اسلام نیز رسالت " توضیح " بیشتر در این زمینه را بعهده گرفته و با شرکت در جلسات عمومی در کارخانجات مختلف سعی دارند این خط را در میان کارگران تبلیغ کنند. مثلا حجت الاسلام در این زمینه چنانکه سال بختیاری و عضو کنسسیون کار و امور اجتماعی در سخنرانی های مختلفی در کارخانجات شرکت کرده تا توضیحاتی در مورد سودویزه بدهد و در نمازهای سخنرانی های خود گفته است که سودویزه مالیده و اما متولهای غیر اسلامی است و کارگران با سستی با اندازه خودشان حرف رند و حق مطالبه کنند. و آقای شجونی که بهر حال نماینده مجلس شورای اسلامی است در یک سخنرانی در کارخانه پیشروش مزخرفات مشابهی را تحویل کارگران میدهد و از کارگران میخواهد که با عدم درخواست سودویزه " روحانیت " را در قدرت تحکیم کنند و سخنرانی های امام جمعه تهران هم در مورد اعتصاب و تحمیل جاسای خود دارد. این نمونه ها ذکر شد تا دقیقتر روشن شود بر چه مبنایی میگوئیم دولت تصمیم گرفته سودویزه کارگران را اما سال نبردازد و در این راه مسئله قانون و جنگ و روحانیت و غیرا سلامی بودن ... را پیش میکشد.

در چنین شرایطی است که برخورد کارگران پیشرو به این مسئله جایگاه ویژه ای کسب میکنند و با بستن کاملاً روشن نسبت به مجموعه این قضایا حرکت کنند. و شایسته، مرکزی کارگران آگاه و پیشرو پرورش سیاسی کارگران و فعال نمودن آنها در مورد مسائل اساسی جامعه می باشد. این پرورش و فعال نیست به تدریج خود را در تشکیلاتهای کارگری جلوه گرمینا زد. این تشکیلاتهای کارگری زمانی میتوانند با مبارزه با دشمنان کارگران آگاه در مورد مسائل جامعه و آگاه از لزوم تشکل خود

سوئد ویژه . . .

نصیحه در صفحه ۱۰

از آن بشتبانی شما بیستدر
 نسخه همواره مبارزات کارگران
 با بسی در سراسر اروپا سا -
 سی حاصه حرکت که ده و با سا آن
 سلیبی گردد. آنها وظایف
 عمومی و عام سیاسی مادرپرورش
 سیاسی طیفه بسیارند. اما برای
 به انجام درآوردن این وظیفه
 صرفا نمیتوان این کلمات را
 بزبان آورد. اولاً مبارزات
 سیاسی کارگران را در زمینه -
 های مسائل اساسی حاصه سا -
 یستی آگاهها به دامن ردوانیا
 مبارزات افشامدی آنرا را
 با بسی از حالت خود بخودی در
 آورده و با مسائل سیاسی مورد
 بحث تلفیق داده و مستعارت
 دیگر از چپا رچوب تنگ خود
 بیرونشان آورده و آنرا در ستر
 مبارزه عمومی مردم فرار داده .
 در نتیجه در سرخوردنه مسئله بود
 ویژه هدف ما نمابستی صرفا گر -
 فتن سودویژه ما ندلسکه در کنار
 رهبری این مبارزه برای سر -
 فتن سودویژه ما سنی آنرا به
 یک مبارزه سیاسی ارتفاسا
 دهم. مسائل اساسی حاصه که
 در اسجار آن صحبت میشود از
 طبعی مبارزه انحصادی ناآنها
 اناره میگردد و هما بطور که بطور
 مداوم در نشریه "حقیقت" منعکس
 است. همانا مسئله جنگ تحا و ز
 کارانه معنیها بر طبق نقشه
 آمریکا بر طبقه انقلاب و سپس
 با و در رابطه با آن حزب جمهوری
 اسلامی بعنوان ارجاع سو -
 سی که در همه ر سبه ها حرکت
 انقلاب را سد کرد، و به امیر سا -

لسمیاری میرسانند، میباشد.
 با در نظر گرفتن این نکات سه
 مسائلی که در این مورد مطرح
 است بپردازیم.
 آنچه مسلم است کارگران
 سودویژه ما لانه را حرتی ارمطا -
 لسات خود را سسه و در صددهیج
 کونده اخص و چشمبوشی ارایین
 حقوق نیستند. سودویژه بخشی
 از دستمزد کارگران است که سه
 این طریق برداخت میگردد و تا
 زمانی که دستمزد کارگران و
 جگونگی افزایش آن مشخص
 نگشته است این سودویژه سا -
 سنی برداخت گردد (رجوع
 کنید به مقاله سودویژه "حقیقت"
 شماره ۱۰۰). و بهمن دلیل هم
 استدلالی چون قانونی بودن
 و اسلامی نبودن و امثالهم هیچ
 کدما به گوش کارگران نمیرود.
 و همچنین گرفتن سودویژه نسبی
 نوا بدستلرم شرطی چون چنددر
 صد برای جنگ زدگان و چنددر صد
 برای تعاونی آنطور که وزیر
 کار مطرح میکنند باشد. ریسرا
 دستمزد تعیین شده برای کارگران
 که سودویژه نیز بخشی از آن است
 در حال کاری که کارگران
 انجام میدهند در چپا رچوب وضع
 فعلی مشخص بوده و با بستگی
 برداخت گردد. اینکه کارگر
 با این مبلغ برداختی چکار می -
 کنند مستقیما بستگی به خود
 او و آگاهی سیاسی او دارند. از
 اینرو علیرغم اینکه ما بطور
 مداوم مسئله جنگ و لزوم کمک کار
 گران به جنبه (البته مستقیما
 از طریق نمایندگان خودشان)
 را در میان کارگران تبلیغ
 میکنیم و آگاهی آنرا را بسب
 به این مسائل ابر سن داده و
 شرکت آنها در جنبه و کمک های
 آنان در پشت حبه را در حاصه
 منعکس و تبلیغ میکنیم. شرط
 فوق الذکر از طرف وزیر کار و
 عمودولتیا را برای کارگران
 بعنوان یک خدع افشاء میکنیم.
 کارگران را بحفظ موضع صحیح
 خود در مقابل حک به این مبارزه
 دست میرساند.

با مسائل سیاسی تلفیق دهیم؛
 برای پاسخ به این سؤال
 ابتدا با یستی دینکه این ما -
 رزه بطور طبیعی در رابطه با
 ستر عمومی مبارزات مردم
 چه جایگاهی پیدا میکند و چه
 رابطه ای با مسائل اساسی و
 سیاسی حاصه دارد. خواسته
 این مبارزه یک خواسته نسبی
 کراتیک برای کارگران بوده
 و در چپا رچوب مبارزه فدا سر -
 بالیستی و دموکراتیک خلق ما
 قرار دارد و از طرف دیگر این
 خواسته محق بعنوان قرارگر -
 فتن در مقابل مسائل اساسی
 حاصه خون جنگ مطرح نشسته
 است و بلکه از طرف کارگران
 مطرح شده که موضع و عملگر
 در ملا روشنی در رابطه با جنگ
 از خود نشان داده اند. در نتیجه
 این مبارزه در مسیر اصولی
 حرکت انقلاب است و آن نیروی
 سیاسی و اجتماعی در حاصه که
 بخواهد در مقابل جنبین مسا -
 رزه ای ما بایستند و یا آنرا تخطئه
 کند، هر که باشد، عملی ضد
 انقلابی انجام داده است و
 در نتیجه و طبعه ما در هر طرفه ای
 است که مستقیم کدما منبر و بیچه
 دلیل و چگونه در مقابل این
 مبارزات قد علم میکنند و امروزه
 این نیرو و کمیست. در تابستان
 گذشته، زمانی که لغو سودویژه
 به امضای " شورای انقلاب"
 مطرح شد، ما شاهد برخی اقدا -
 مات از سوی حزب جمهوری اسلامی
 و ایخادها هوهای بیسترای
 " مخالفت" با این مصوبه
 بودیم. مواحه های ریادی
 انجام دادند، سخنرانی های
 متعددی ایراد نمودند و حسی
 کار خابانی چون سرخا ورکه
 بقوذا این حزب در آنها کا مسلا
 روشن بود در اعتراض به لغو سود
 ویژه نظا هرات هم بر راه اندا -
 جتند. دلیل این حرکتها و
 اعتراضات در آن زمان مشخصا
 استغاده ارتیک حرکت تسوده ای
 و با حداقل شان دادن پشتوا -
 نه ای بوده ای در اعتراض به
 سی صدر (در آن زمان روشنی

سوئدویژه ...

بقیه از صفحه ۱۹ —
وزارتخانه‌ها را نداشته‌ها پس
کار را غیر قانونی اعلام میکند.
اگر در گذشته برخی از کارها
خانجات هیئت مدیره هائی سرسر
کار بودند که اصملا از لیبرال
لها و هوادارانی صدر بودند.
امروزه با قدرت گرفتن حزب در
دولت این هیئت مدیره‌ها سر
کنار شده اند و نمونه‌های آنرا
میتوان کارخانه مینو و گروه
صنعتی ملی ذکر نمود و برخی
دیگر از کارخانجات نیز درگیری
برای برکنار کردن آنها ادامه
دارد. بدین ترتیب اگر قبول
کنیم در صدد بزرگی از کارخانجات
و دیگر موسسات تولیدی و خدماتی
دولت و ارکانهای تابعه
آن و بنیادهای مختلف تعلق
دارد، این مبارزه توده عظیمی
از کارگران را در روی دولت
قرار خواهد داد. ارتباط این
دولت نیز با حزب کدائی مشخص
است. دولت حزبی حرف آخرش
را در رابطه با سوئدویژه زده است،
نمایندگان حزبی مجلس در این
مورد صحبت کرده اند، رادیو
تلویزیون از طریق برنا مسه
کارگر بطور مرتب سرسر سوئدویژه
و لزوم خودداری کارگران از
مطالبه آن صحبت میکنند و مبارزه
کارگران را بعنوان اغتشاش
گروه‌های "اخلالگر" و لیبرال
لها معرفی میکنند. البته همین
جایستی تذکره‌ها دلایل آنها
نی که در هیئت مدیره برخی کار
خانجات نفوذ دارند برای مقابله
با حزب در مورد سوئدویژه خود را
با کارگران همراه نشان می

دهند. بعنوان مثال هم اکنون
که ما در تاشید مبارزه کارگران
برای گرفتن سوئدویژه قلم می
زنیم، کارخانجات تحت نفوذ
ایشان چون مالی بل، شیشه
و گاز قول سه ماهه و نیم سوئدویژه
را به کارگران داده اند که بخشی
از آن نیز پرداخت گشته است و
یا هیئت مدیره سابق گروه
صنعتی ملی یکی از دلایل سر
کناری خود را "پرداخت سوئد
ویژه به کارگران در سال گذشته"
ذکر میکنند (میزان - ۳۰ دی)
نمونه دیگر بختون سازی و جر
ثقیل بانک است که اخبار هیئت
مدیره در مقابل هر نوع خواسته
رفاه کارگران روی غشوش
نشان میدهد و حتی در ساعات
ورزش با کارگران به تفریح
والیبال میبرد از دتا بلکه در
مبارزه قریب الوقوع خودیسا
حزبی ها موقع برکناری از
هیئت مدیره پشتوانه کارگری
داشته باشد. آری این نمونه
ها وجود دارد اما کارکناری
است و مبارزات جاری کارگران
در مورد سوئدویژه علیرغم تاشید
ضمنی لیبرالها بهیچوجه زیر
رهبری آنها نبوده و یک حرکت
از طرف خود توده مبارز کار
گران در این مبارزه مشخص
بطور عینی در مقابل حزب
جمهوری اسلامی قرار گرفته اند.
آشکارا می بینیم که این
مبارزه با مسائل سیاسی جامعه
میتواند تلفیق گردد، اولاً با
بستی که کارگران بر روی مسئله
جنگ در میان کارگران تبلیغ
صورت گیرد و لزوم حفظ موضع
صحیح خودشان در مقابل جنگ
را در مبارزه کثونی شان توضیح
دهیم و تا مبارزه اقتصادی
را که در مقابل دولت و حزب
حاکم دارند تا سطح یک مبارزه
سیاسی ارتقاء دهیم. حزب
جمهوری سده در مقابل
استقلال و دموکراسی است.
حزب جمهوری یک جریان ماهیتا
ارتجاعی است. وظیفه امروز
ما طرفین داوودسته ارتجاعی
از قدرت است. و هدف مرکزی

مبارزه کارگران سرسر سوئدویژه
نیز همین حزب است، آن نیرو
نی که میخواهد بخشی از دستمزد
کارگران را بالا بکشد و جنگ
را بهانه میکند، دقیقا همان
نیرویی است که در جنگ میهنی
ما سنگ اندازی و اخلال میکند،
دقیقا همان نیرویی است که بر
سر مسئله گروگانها با امپریا
لیسم آمریکا سازش می‌نشیند،
همان نیرویی است که از صلح
شدن مردم خوزستان در مقابل
بعثی‌ها جلوگیری میکند، همان
نیرویی است که شعار "نه شرقی،
نه غربی" را شعار "هم
شرقی، هم غربی" تبدیل کرده
است، همان نیرویی است که
هرگونه آزادی را در سطح جامعه
سزکوب کرده و نیروهای چماق
دار بسیج کرده و بر اه انداخته
است، همان نیرویی است که
از طریق انجمن‌های اسلامی در
کارخانجات محیط اختناق و
خفقا اینجا دگر کرده و تحت عنوان
"مکتب" حاکمیت خود را قالب
میکند. و در واقع در این مبار
زه آشکارا هم کارگران به تمام
این مسائل بایستی افزایش
بیدار کنند.
دولت در مقابل این
مبارزه کارگران "استدلالات"
مختلف و در واقع مستحک هائی
خواهد آورد و کارگران آگاه و
شوراها بایستی در مقابل این
دسیسه‌ها هوشیار باشند.
"استدلال" اول همان جنگ
است. این تنها بهانه ایست
از طرف دولت برای "بسال
کشیدن پول کارگران، اگر
واقعا جنگ برای این دولت
مسئله است چرا اینهمه در آن کار
شکنی کرده است؟ چرا زمانی
که ۷۰ تریلی و کار میسون از
طرف "شرکت تعاونی رانند
گان" به وزارت راه و ترابری
پیشنهاد ترخیص گمرک خر مشسر
را کردند و صورت قطاری بطرف
جنوب حرکت درآمدند، دولت
از انجا ما اینکار جلوگیری کرده
و آنها را بجای های دیگر فرستاد
و در عمل باعث شد که لاهسا در آن

گمرک بمانند و توسط عراقی‌ها
غارت شوند؟ چرا زمانی که چند
دستگاه از این کارمندان در محنه
شیردیزری خیابان آزادی میروند
دولت حتی یک قران بیمه جنگی
به آنها نداد؟ اگر دولت دلش
بحال جنگ زدگان سوخته بود
چرا در سطوح مختلف اینهمه بی
احترامی و توهمین به این آوا
رگان جنگ زده روا داشتند؟ و از
همه مهمتر چرا بدنیال سازش با
دشمنان ما است؟ "استدلال"
دوم تورم و گرانی است. دولت
وقیحا نه میگوید "یکی از دلایل
گرانی و تورم افزایش دستمزد
کارگران است در صورتیکه سطح
تولید تغییر نکرده است".
(جمهوری اسلامی - ۲۸ دی) و
در نتیجه امروز نیز نایستی به
کارگران سوئدویژه پرداخت
شود. آیا این استدلال صحیح
است؟ آیا افزایش نرخ سیگار
بطور رسمی به دو برابر و غیر
رسمی به چهار برابر یا ضر
افزایش دستمزد کارگران
دخانیات بوده یا حرص و ولع
محتکرین و دلالتی دست اندر
دست دولت و حزب حاکم؟ ...
"استدلال" سوم اینست که کار
خانجات دولتی شده سوئدویژه
نداشته اند. اولاً که این مسئله
عمومیت نداشته و کارخانجات
زیادی چون جامکو، پرونیل
نیمه سیک، هوست و ... هم
اکنون روشن است که سوئدویژه
داشته اند. ثانیاً در کارخانجات
دیگر نیز بایستی دید که چگونه
میتوان امر صرفه جویی را مرا
عات کرد زیرا خزانه دولت مثل
آبگشی میماند که همه سوراخها
پیش بیک اندازه نیست و گشاد
و تنگ دارد. وقتی قرار است
برای کارگر پول بیاید از
سوراخ تنگش میاید و سودش را
نیز قطع میکنند. ولی وقتی
برای مدیران دولتی میاید تا
هر ماه حدود ۴ هزار تومان حقوق
از سوراخ گشاد این آبکش سیر
میاید. ثالثاً برای اینکه توان
مسئله سوئدویژه و زیان دهی کار
بقیه در صفحه ۱۴

سود ویژه ...

نتیجه از صفحه ۹۴ —
 خانات را بررسی کرد با یستی
 کمیته‌ای از نمایندگان کارگران
 برای اینکار ما سرشوند
 و کارگران هر کارخانه دخل و
 خرج کارخانه را زیر نظر خود
 داشته باشند. " استدلال چهارم
 مسئله تحریم امصادی و لزوم
 تحمل و بردباری از طرف کارگران
 خواهد بود. این درست
 که در انقلاب با یستی متصل
 سختی‌ها و ناراحتی‌های زیادی
 شد تا با استقلال رسید. اما آیا
 ما کارگران چنین می‌کنیم؟
 چرا. اتفاقا ما فشارهای زیادی
 را تحمل می‌کنیم و تاریخ همین
 انقلاب شاهدحاشائی‌ها و
 نقش ما در مبارزات برعلیه
 استبداد و استعمار بوده است.
 اما همه اینها ما یک سؤال
 داریم. چرا همه فشارها با یستی
 سرگرده ما وارد شود؟ چرا نباید
 تحت هیچ شرایطی از درآمدرس
 ما بیداران و دلالان و محتکرین و
 ابواب جمعی آنها کم شود و هر
 مسئله‌ای که پیش می‌آید این
 چندتا زحوق ما با یستی مورد
 تعرض قرار گیرد زیرا این دولت
 نه تنها قادر به کوبه کردن دست
 دلالان و محتکرین نیست بلکه خود
 سوابد سیاسی آنها نیست. از
 بکطرف دست آنها را در عمارت
 مردم می‌گذارد و از طرف دیگر
 ما را به حمل ضرر و بردباری
 دعوت می‌کند و ما سخا نشان
 نیز بر علیه محتکرین هیا هوشی
 بیش نیست.
 بخش خصوصی نیز تسلما در
 پرداخت سود ویژه مقاومت خواهد

کرد و نظیر دولت، این بخش
 نیز اوضاع نابسا با اقتصاد
 و کمبود گران مواد اولیه و
 بیانه ضروریان را به پیش
 خواهد کشید. در این بخش
 معمولا کارگران خود دخل و خرج
 کارخانه را به تنهایی می‌دانند
 و در نتیجه با مشخص کردن تقریبی
 بی میزان بهره‌دهی کارخانه
 مشت کارگر را می‌توان باز
 نمود.

بدین ترتیب ما در این
 مبارزه بغیر از مسئله سود ویژه
 اهداف دیگری نیز داریم که سه
 بطور خلاصه عبارتند از: اول تحکیم
 وحدت و یکپارچگی کارگران
 ثانیاً تحکیم سازمانها، شوراها
 و ارگانهای کارگری بعنوان
 ارگانهای که می‌بایستی
 مستقیما در مسائل جامعه وارد
 شده و در حرکت کلی جامعه نقش
 داشته باشند. ثالثاً افشای
 حزب جمهوری اسلامی برای کارگران
 و نشان دادن کارکنی —
 های این نیروی ارتجاعی
 در مبارزه توده مردم برای
 کسب استقلال و آزادی و ارتباط
 این عمل با سرکوبی که مستقیما
 نیروهای منتصب به این حزب
 در مقابل کارگران انجام
 می‌دهند. رابعاً، تسلیم
 وسیع این حرکت کارگران در
 کل جامعه نشان دادن نقش
 طبقه کارگر در مبارزات عمومی
 جاری در جامعه.

در اینجا این سؤال مطرح
 میشود که حدس‌گذاری ما در این
 مبارزه چیست؟ آیا اگر در
 پرونده این مبارزه کارگران
 دست به اعتصاب بزنند، ایستادگی
 از نظر ما صحیح است. در رابطه
 با این مسئله باید گفت طبقه
 کارگر برای احقاق حقوق مسلم
 خود و برای دفاع از سوابد
 مشخص خود با حق را دارد که از
 فروش نیروی کارش که تنها
 وسیله معاش اوست، در شرایطی
 که زور می‌شود و حق کشتی می‌بیند،
 سرباز زند، اعتصاب و اعتراض
 کارگران همانند فریاد است که
 از گلوئی مظلوسی در مقابل ظلم

و بیدار دیده‌ها و می‌کنند بیرون
 می‌آید. روی این اصل تحت
 هیچ شرایط و با هیچ عذرو بیانه
 نه‌ای نمی‌توان اعتبارات
 کارگری را بطور کلی ناصحیح
 و غلط قلمداد کرد. هر اعتصاب
 در آنرو وجود ظلم و حق کشتی خاصی
 وقوع می‌پسوند و همچنین
 هر اعتصاب را اعتراض شخصی از
 طبقه کارگر را رد و روی شخصی
 از طبقات استنما رگر قرار می —
 دهد که نقش آنها در دولت وسای —
 ستها پیشان برای اوضاع اقتصاد
 و همچنین وضع عمومی جامعه
 می‌تواند ارزیابی مشخصی را
 بطلد. ما سعی می‌کنیم بسا
 سنجیدن شرایط حال که جنگ
 تحمیلی مشخصه مبارزات است در
 جهت تحکیم اصولی جنبه خلق
 حرکت کنیم. اولاً که —
 جمهوری یک نیروی ارتجاعی
 بوده و در این جنبه خلق نمی —
 گنجد و ثانیاً این تحکیم با مسکو
 گذاشتن و سرپوش گذاردن بر
 روی حرکت‌های ارتجاعی وجود
 نمی‌آید و بالعکس با افشاء و طرد
 آنها توأم بود و ما می‌باید امروزه
 ما اگر چه برای تحکیم وحدت
 کارگران و گسترش پیوند کارگران
 گران با مجموعه مردم در شرایط
 کنونی از اعصاب بعنوان شیوه
 این مبارزه اسفاده نمی‌کنیم
 ولی نه به این دلیل که ایستادگی
 غلط است بلکه به این دلیل که
 لزوما بهترین شیوه در پیشبرد
 این مبارزه نیست. یعنی اگر
 کارگران در پیرویه مبارزه خود
 دست به اعتصاب هم‌زندان در آن
 فعالانه شرکت کرده و وضعه خود
 را که همانا ارتقای مضمون آن
 و تلفیق آن با مسائل سیاسی
 جامعه انجام می‌دهیم. کسی در
 این بحث دقت کنیم. اگر ما
 نگوئیم اعتصاب امروز در این
 شرایط بر مسئله سرد و بی‌مضمون
 غلط است عملا بدین مفهوم
 میشود که باید در مقابل آن
 اعتبار با ایستادگی کارگران
 گران را " نصحیت " نمود که
 چنین کاری در چنین شرایطی
 نکنند و چنین نظری انحرافی

و راست روانه است. اما اگر
 نگوئیم اعتبار بر سر سود ویژه
 امروز (با در نظر گرفتن وظایف
 سیاسی فوق) محاز است بدین
 مفهوم میشود که از اعتبارات
 کارگری در این مورد حمایت
 کرده، در آنها شرکت فعال
 نموده و سعی می‌کنیم به این
 مبارزات سمت و سوی صحیح
 دهیم. ولی آیا اعتبار بهتر —
 بین شکل برای جلب حمایت
 همه مردم از مبارزه کارگران
 در این شرایط است؟ لزوما
 خیر! در نتیجه ما خود از این
 شیوه بعنوان حرکت مرکزی خود
 استفاده نکرده و سعی می‌کنیم
 نظرها را به نما یشات سیاسی
 کارگران را در سطح شهردا من
 بزنیم. چرا چنین استدلال می —
 کنیم؟ زیرا دلیل نفی اعتبار
 کارگران در این شرایط برای
 استدلال قرار داده و در میان
 برخی محافل کارگری مسورد
 بحث قرار میگیرد. یکی اینکه
 اعتبار به تولید ضربه می‌زند و
 در این شرایط تحریم اقتصادی
 و جنگ ضربه به تولید و توقف
 تولید سیاست آمریکا و خواست
 ارتجاع است. یکی از استدلال
 لات حزب جمهوری نیز اتفاقا
 همین است. در اینجا باید
 سؤال کرد چرا آمریکا تحریم
 اقتصادی میکند؟ چرا آمریکا
 سعی در خواباندن تولید دارد؟
 جواب روشن است. آمریکا
 چنین میکند زیرا میخواهد
 این کار را بر زحمتکشان
 زیا در زیا در کرده و آنها را
 نسبت به انقلاب بی تفاوت و سر
 خورده نماید. پس آنچه منظور
 نظرها آمریکا است صرفا مسئله تولید
 نیست بلکه بی تفاوت نمودن
 کارگران و زحمتکشان و بیرون
 راندن آنها از عرصه انقلاب می —
 باشد و ما با یستی با این سیاست
 آمریکا و همه امیربالیست‌ها
 مبارزه کنیم. آیا امروز حزب
 جمهوری کاری غیر از این می —
 کند؟ آیا زمانی که کارگران
 دغا نیات بر سر سود ویژه می —
 بقیه در صفحه ۹۴

نامه یک کارگر به نشریه حقیقت

در مقابل تشکیلات بزرگی چون صنایع و معادن ما کارگران نیز باید تشکیلات محکم و بزرگی داشته باشیم تا بتوانیم با این تشکیلاتهای سرما به داران مبارزه کنیم .

چاره کارگران وحسدت و تنگی سلات است .

مرگ بر ارفردتیا و عوامل آنها خصوصا حزب کمیسوری .

با مبدیبروزی کارگران .

دوست کارگر شما



جز شدند . می گفتند چرا در ارج و ایران ناسیونال ساعت کار کمتر است و اینجا بیشتر شود . و ما بنده صنایع و معادن می گفت ما میخواهیم از اینجها شروع کنیم . و در این حال اسادی کارفرما از وضع استفاده کرده حورا تلوغ کردید که شما برای نتیجه ای گرفته نشد بعد از سه روز کارگران و شوروا جلسه تشکیل دادند و شوروا از کارگران خواست که قبول کنند ۷ ساعت و ده دقیقه در روز و جمعا ۴۳ ساعت کار در ۶ روز هفته شما بند . اولین نتیجه ای که از این مبارزه بدست ما آید اینست چون ما رهبری درست و حسابی نداشته ایم خیلی ساده تگت خوردیم و دوم اینکه در

چند نفر از یادی کارفرما را شدت کتک زدند مثل عسگری رئیس کارگری و ظالفا سی بدبیب کارخانه از طرف صنا . بیخ و معادن و چند نفر دیگر . بعد از مدتی کارگران برای رسیدن به خواسته های خود پیش برن صا ریه خود اقدام به تشکیل شورائی جدید نمودند . نکته با اینکه نه وزارت کار و نه وزارت صنایع و معادن هیچ کدام نه نماینده فرستادند و نه این شررا را قبول داشتند خود کارگران این شررا را که در آن چند کارگر مبارز وجود دارند انتخاب نمودند . چند وقت پیش بعلمت جنگ ساعت کارنده بوده ساعت در روز و در وقت شب که حدود ۷ الی ۸ ساعت بطور ثابت در آن کار می کنند . وزارت صنایع و معادن و وزارت کار برای بهره بردن بیشتر از کارگران و در ضمن حاشا ختن ۴۴ ساعت کار در روز هفته کارخانه ها را گذاشتند بودند . کارگران اول ان شررا قبول نداشتند و کارگران قبول کردند که ۴۰ ساعت در ۵ روز در هفته کار کنند تا صنایع و معادن قبول نکرد و یک عمر از اعنای خود که رئیس فمست مالی بود را به کارخانه فرستادند . شخص نا مرده پس از مدتی نمدنه جیبی راجع به انقلاب و جدوجه به کارگران گفت که اگر من سرم هم برود سرزور سی روز و سی کذارم که ساعت کار کمتر از ۴۴ ساعت باشد . و اگر اسنا شما طلا هم تولید میکنند آراد عرض سک روز مضیل مکتم و ۵۰۰۰ نفر از جنوب می آورم و با آنها شروع به تولید میکنم . کارگران سفوری عمیانی شده بودند که میخواهند بسند طر فر

من یکی از سواداران اتحادیه کمونیستها هستم . می خواستم نامه زبر را در نشریه حقیقت برای اطلاع کارگران دیگر چاپ کنند . کارخانه پارس سال حدود ۵۰۰ کارگر دارد و تولید آن ریخته گری و دود طراب میباشد . ملامتلی به سرما به داری به اسم تحصیلی بود که البته به نام دار بزرگ دیگری به اسم آزانسان و . . . با او شریک بودند . این آقای تحصیلی بعد از انقلاب علاوه بر اینکه رئیس کارخانه بود رئیس کمیته نیز بود . در حال حاضر وضع مالکیت کارخانه به روشن نیست از طرفی آقای تحصیلی دشمن خود را در صنایع و معادن باز کرده و از طرف دیگر صنایع و معادن برادر کارخانه نظارت میکنند . شورای کارخانه که به سمت مبارزه کارگران خصوصا کارگران موقت میباشد انحلال سندیکای طاغوتی بوجود آمده بود بعد از مدتی سلطان در کبریا می کشید سر طبقه بندی مشاغل بوجود آمده بود توسط اسادی کارفرما و توسطه های آنها منحل شد . بعد از مدتی شخصی به اسم سرعمادی را خود اسادی کارفرما در کارخانه پارسا دادند با حاشیه به سبب این شخص شده بود شورای کارخانه که بعد توسط خود همان صنایع و معادن کند کار را قادر آمد و معلوم شد با خارج و با دریا تماس داشته است . البته بنظر من نیز بگوئیم که سرعمادی با زینت کسریک عرب بود و نامه سبب کارگران مصوب مسدود می خواست اصلاحاتی هر چند کوچک انجام دهد . بهر حال وقتی آقای سر عمادی را سرور کرده اند مبارزه ای سر راه آنها دیده در آن کارگران

نمود ویژه . . .

بینه از صفحه ۴۳ -
رره دست رده و در مقابل انجمن اسلامی این واحد اعصاب هم دست میزنند و سگوبند قیامت رسی سگار ره و بر او غیر رسی آنچرا بر ابر شده و دست انجمن اسلامی و هیئت مدیره و دولست و محتکرین و دلایها در دست هم میباشد و این دستها با بیستی کوتاه شود ، سق سببا خسته اند یا نه ؟ نظر ما این مبارزه نه سبها به انقلاب مرده می زدند ساعت را ندن بوده رحمکسی از عزمه اسفلت نمیگردند بلکه ساعتی به آمریکا و از آنها تصور داخلی صره میزند و اسفلت را

نیز سلطو میراند . چقدر دستکی به همت ما دار که چقدر مضمون سیاسی آنرا ارتقاء دهیم .

مدین نرت . آنچه برای ما در این مبارزه : همیت دارد مضمون مبارزه است و این مضمون نیز همانطور که در این نوشته مضملا شرح داده شد جنگ و حزب است . ما تمرکز بر روی این دو مسئله نمیتوان طلوی نفوذ عنا - مریختن رچی را در این مبارزه - چنین مضمونی مانه تنها هرایی از احتمال استفاده سختیاریها از این مبارزات نداریم بلکه معتقدیم اینجا عرصه مبارزاتی برای اعنای و سی آبرو کردن آنها میباشد . در اینجا میباید سبب قدری بیشتر طرا ب دیگر را مورد موشکافی قرار دهیم :

(ادامه دارد)

اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟ (۳)

نظری به نامه سرشده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر

پنجم - 'روحانیت اصیل' و اصالتش!؟

دنباله از شماره های پیشین

۳- همان "همه" روحانیون شورای نگهبان "، یعنی امثال جنابان حجتی، مانهی، ربانی، شرازی و... که با زهم (عصب) اتفاقی!!) از نزدیکان و یاران و کارپردازان همان... که خودتان میدانید... میباشند.

۴- "همه" روحانیون دادگناه های انقلاب "، یعنی امثال موسوی تبریزی، اراکسی، معادیخواه و... که با زهم (اتفاقاً!!) از نزدیکان و یاران همان حزب معروفه میباشند.

۵- "همه" روحانیون مجلس شورای اسلامی " (با استثنای چند نفر معدود) - یعنی همان اکثریتی که باعث "پیروزی خط امام" شده بود!!، یعنی همان اکثریت حزبی در مجلس و البته استثنای معدودی چند!! اینان همه این مناصب را عصب کرده اند. با تصویب یا عدم تصویب امام - و آنگاه فریاد سر می آورند که ما "انحمارطلب" نیستیم.

این است آن جناح "اصیل" از روحانیت که مجاهدین انقلاب اسلامی عاشق سینه جاک آنراست. این جناح "اصیل" ، مجلس و قوه قضائیه و شورای نگهبان و تریبون تبلیغاتی نمازهای جمعه و ایضا برخی مقامات دولتی را قیضه کرده اند، و بخش دیگر "جناح" - یعنی مجاهدین انقلاب اسلامی و سردمداران ایشان با قیضه مقامات دولتی و مجلس و... را!! عناصراً بقیه در صفحه

و معتقد به امام و مشی او چون آقایان خامنه ای، هاشمی، بهشتی و... شکل خنده آوری مگویند..... "سنا را این از نظر مجاهدین انقلاب اسلامی" جناح روحانیت اصل "و معتقد به امام و غیره و ذلک همان "جناح" معروف، همان "جناح" خود ایشان، همان سران فتنه گر حزب جمهوری یعنی خامنه ای و هاشمی و بهشتی و اعوان و انصارشان میباشد. گویا اینها "اصیل" هستند چون در "جناح" کذابی مجاهدین انقلاب اسلامی قرار دارند. اینها "اصیل" هستند چون در کنار نویسندگان نامه به تاخت و تاز انحصارطلبانه درجه معشوق لند، ولی البته اگر به مجاهدین انقلاب اسلامی بگوییم شما و شریکتان در "جناح" کذایی تان انحصارطلب هستید، آنرا رگ گردنشان سیخ میشود و به انکار روحانیت می پردازند. ولی شاید بدانان رفته باشد که در همین نامه کذابی شان مناصب اشغال شده از طرف این جناح "اصیل" را بر سرشده اند: ۱- "همه" ائمه جمعه در سراسر ایران "، یعنی امثال خامنه ای در تهران، طاهری در اصفهان، مدنی در تبریز، دستغیب در شیراز و... که اکثریت قریب با تقای این "همه" از اعضا و هواداران و "سمیاتیهای"!! حزب جمهوری میباشند.

۲- "همه" روحانیون شورای عالی قضایی "، یعنی امثال جنابان بهشتی، موسوی اردبیلی، قدوسی و... که اینها "همه" این روحانیون از اعضا و

که روحانیت خیلی متحد و واحد بنظر میرسیدند، چون دیگر گذشت آن روزهای حوشی که روحانیت خیال میکرد، برای همیشه متحد و واحد باقی مانده و حکومت روحانی تا ظهور مهدی موعود تداوم خواهد یافت و... گذشت که آن سان گذشت!! آن روزهای خوش، و آن امسال و آرزوهای شیرین خیلی زود، مانند برف در زیر آفتاب تابستان آب شد. فقط عده ای خوش باور که فکر میکردند تئوسوری نوینی کشف کردند و تریبها میال و آرزوهای ذهنی روحانیون را خورند، و تصور کردند که "گاست روحانیت" برجا میماند مسلط گشته و "فاشیم آخوندی" در راه است!! ولی از همان روزهای خوش و شیرین، آن ماه عمل و صلوات روحانیون - قدرت، معلوم بود که ما همای "سرکه شیره" نیز در پی خواهد بود. آری امروز حتی روحانی ترین روحانیون و قشری ترین قشریون هم محبوره تکه تکه کردن روحانیت هستند، چون روحانیت در واقع تکه تکه هم نیست، فقط دعویایی که مانده است این است که کدام تکه "اصیل" است، و هر کس عقده ای دارد.

مجاهدین انقلاب اسلامی که خیلی از سنی صدر در مورد "جزء" و کل "کردن روحانیت" دلگرونا راحت است، خود به تکه "اصیل" آن اشاره میکنند و تکه "نااصل" آن را هم معرفی میکنند (چون ایشان خیلی "بی پرده" "تشریف دارند) ایشان میفرمایند: "آقای تلی تهرانی... اینها اشاره به جناح روحانیت اصیل

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در دفاع از روحانیت با اصطلاح "اصیل" - بنی صدر را مورد شائبه قرار داده و از اینکه وی روحانیت را "کل و جزء" کرده و از همه یکدست پشتیبانی نمی کند، سرا و محروشد. ایشان می نویسند: "آقای بنی صدر، لطفاً صریح تر بگوئید حساب کدام "جزء" از روحانیت را با جدا ز کل آن جدا کرد؟ آن چیزی که همه ائمه جمعه در سراسر ایران، همه روحانیون دادگاههای انقلاب همه روحانیون شورای عالی قضایی، همه روحانیون مجلس شورای اسلامی (با استثنای چند نفر معدود) و در یک کلام همه روحانیونی که با مستقیمان از طرف امام به این مناصب منصوب شده اند و یا منصوب شده اند مستقیم مردم انتخاب شده اند منظور شماست و "مسب" همه این "ناپامانیها" و حتی "شروع جنگ" یا کمان دیگری؟" مجاهدین انقلاب اسلامی خیلی عصبانی شده اند که چرا سنی صدر روحانیت را تکه تکه میکند و بهر تکه آن سنی دلقوه و باب مسلش برخورد میکند. این البته فقط ظاهر نصیحه است. مجاهدین انقلاب اسلامی از آن روحانی سهرک غیرتشان (اگر غیرتی داشته باشند) برخوردار است، چونکه سنی صدر به آن تکه ای از روحانیت که در "جناح" ایشان قرار دارد برخورد غیررفساقانه "سنا" میاید. و این باطن قصه است.

خود مجاهدین انقلاب اسلامی هم محبوره تکه تکه کردن روحانیت گشته است. چون دیگر گذشت آن روزهای

اینها کیستند

صفحه از صفحه ۱۵
 خیلی خیلی "اصل" "روحانی" حرب جمهوری جور بهنمی و حانهای ورفسنحانی و... آن مقامات را اشغال کرده اند، و عناصری با خیلی خیلی "اصل" "غیر روحانی" مجاهدین انقلاب اسلامی چون نبوی، دوزدوزانی، رجایی و... این مقامات را!!
 آنوقت بی خودویی جهت سه این "حاج" "اصل"!! و خط اما می بگویند حاضر طلب! ولی "امالت" "ایمن" "حاج" "روحانی" درجست و در چه نهفته است؟ آیا "امالت" اینان در این است که خیلی "آزادخواه" و "دمکرات" منش هستند؟ ما هرچه در اعمال و رفتار این "حاج" "نظیر" انداختیم نه تنها آزادخواهی و دمکرات منش در آنها نیافتیم، بلکه هرچه دیدیم حزب و جماعت و سرکوب و اهانتهای به نوده های مردم بود، البته خود را "حاج" هم آراستگ کسی اندک آراذخواهی به آنها بجاسند با دحوشان سی آمد، حورن سانه سارند ایشان آزادی - خواهی تا "لبرالسم" "ترا-دفاست"!! آیا "امالت" اینان در اینست که خیلی "استقلال طلب" میباشد؟ خودشان خیلی ادعایشان میشود!! ولی با زهم ما هرچه به اعمال و رفتار این "حاج" نظرا انداختیم هر هوجی گری چیزی نیافتیم. و فنی تسلیم سحرمانه سه امهرالسم آمریکا در همیشه حاسوسان آمریکایی را می

نگریم، وقتی نشه های سازش با عراق را مینویسم، وقتی پاسخ های حیوانانه به اولتیماتوم ابرقدرت روس را میخوانیم و... می بینم اصلا "اعالتی" در این دار - دستند موجود نمی باشد. ولی آنها هنوز هم ادعا دارند که "اصل" هستند. پس بایند امالتشان را نشان داد.
 آنها یک "امالت" "تار - نخ" در تاریخ معاصر کشور ما دارند. "حاج" "مربوطه" دناله متکی به بیگانه، مرتجع و است که حکومت مرتجعین و راستگان به بیگانه را در زیر لوای دین علم کردند. "حاج" "مربوطه" دناله، جریان شیخ فضل الله نوری در عهد انقلاب مشروطه، ایران است که جیره خوار دربار محمد علی شاه بود و ورود بسیار به ان تزاری را "قوت دین و اسلام" میدادند و سخوات مشروطه را به مشروطه بدل کند. همان شیخ فضل الله میدیدند که زبر علم اسلام و دین و شریعت به دفاع از استبداد محمد علی شاه می شد. بلکه تزاریم در ایران قیام کرد. "حاج" "مربوطه" دناله، جریان آیت الله کاشانی در عهد نهضت ملی شدن صنعت نفت و حکومت ملی دکتر محمد مصدق است. دناله، جریان کاباسی چی ای که در ظاهر به دفاع از مصدق پرداخت و در نهان با کودتا چنان ۲۸ مرداد سر علیه مصدق توطئه ریخت همان جریان کاشانی چی ای که با آلت دستش فدائیان اسلام را از ادبهای مردم حمله سرد و در آخر هم با هم پیمانسان و هم مسلکانش در حزب زحمتکشان بقایی، از آخور کودتای امیر یالیم آمریکا سر بر آوردند و برای استبداد محمد رضا شاه تبلیغ کردند و محرز گوی ملطه در ایران گردیدند.

دنیا له همان جریانات "اصل" روحانیت در گذشته است و "امالتشان" نیز همان "امالت"!! "امالت" اینان در استبداد و زورگویی، در جناق کشی و دارو دسته های جماعت را بر سر انداختن است. در اتکاء سه خارجی و قدرتها بزرگ سلطه جو برای حفظ مقام و منصب خود است، در فریبکاری و مردم فریبی است، در برپا ساختن حکومت ارتجاعی و متکی سه بیگانه در زیر پرده دین و "دفاع" از حقوق مستضعفان است، اینها هستند "امالت" "ان" "حجاج" مشروطه چی! تا در وان ظالمانی اصل و نسب اینان را چه خوب بر ملا ساخت و قتی که گفت اینان میخواهند استبداد را در زیر پرده دین برقرار سازند!

ششم - خیابان 'یکطرفه' یا 'دو طرفه'؟!؟

مجاهدین انقلاب اسلامی به سنی صدراعظمی میگرد که یک اتحاد دنا همگونی از گروههای مخالف "خط امام" چون نهضت آزادی، مجاهدین خلق، جاما، دفترها هنگی و... از وی طرفداری میکنند. ولی زود با دش میفتد که حزب تسوده وعدهای دیگر نیز که زیاد از "امالت" مکتبی "و خط امام" سوشی نبرده اند نیز از "حجاج" اینان حمایت میکنند. بنا بر این به مغلظه گویی میپردازد: "باید توضیح دهیم که اولاً: آن اتحاد "دوحا نه" است. یعنی حمایتی "طرفینی" میباشد، نه اینکه مشاجسه ملی از "دفترها هنگی" حمایت کند، بلکه دفترها هنگی نیز عمدتاً در جهت حمایت از آنها..... قدم بر میدارد. ولی از این سو قضا که ملا "یکطرفه" است. یعنی تاکنون هیچ "عنروپسا" گروه خط امامی "را نمیخواند" مرفی کرد که از حزب تسوده و...

حمایت کرده باشد و یا حتی قصد و نیت آن را در سر بروراند" متوجه شدید! در مورد بنی صدر "دو طرفه" است و در سوی اینان کا ملا "یکطرفه" و تا کنون نه تنها هیچ یک از عناصر و گروههای "حجاج" ایشان از حزب تسوده دفاع نکرده بلکه در مخیله شان نیز این نکسر "شک آلود" رسوخ نکرده است. البته مجاهدین انقلاب اسلامی چون میدانستند که محبتش خیلی سنگ است مجبور شده که تقریباً (یک نهم) نامه دورود را از راه توضیح و توجیه "استرا - تریک" و "ایدئولوژیک" این "یکطرفه گوی"!! سپردا زد.

اجازه دهید فرض کنیم که خیابان "یکطرفه" است، یعنی حمایت "طرفینی" چه در عمل و چه در "نیت" تسوده و "حجاج" ایشان املاکاری به کار حزب تسوده ندارد. ولی فوراً یک سوال مطرح میشود که چرا جاسوسان ابرقدرت - ابرقدرت شرق - از شما حمایت میکنند؟ آیا چون شما خیل "فنا میر با لیت" و "انقلابی" هستید، و اینها هم گویا خیلی سینه خاک "انقلاب" و "استقلال" میباشد، است که جنس آتشین به دفاع از شما در مقابل سنی صدر و "لبرالها" بلند شده اند؟ با اینکه بر شما نورامندی مٹا هه کرده اند سر چشمک هایی رد و بدل شده است؟ کدا میر...

مجاهدین انقلاب اسلام برای توجیه "علمی" حمایت یک جاسوس ابرقدرت روس از خودشان، میفرمایند: "حزب تسوده، برای امکان دست یافتن به ایجا دزمینه های یکا کودتای ما ر کمبستی "در دراز مدت و تسلط روسیه بر ایران..... بناچار رساید..... از "خسفا" امام "حمایت" کنند و یا نشوند در دستگاها و مراکز تسودت، زمینه های ایجاد یک حکومت ما ر کمبستی "نفوذ" روسیه و در نهایت "سلطه" آن راهوار تسوده در منطقه ۱۷

اینها کیستند...

بقیه از صفحه ۱۶ —
 سازد. حزب توده میخواهد تسلط روسیه بر ایران را هموار سازد، برای این منظور مشغول نفوذ در دستگاها و مراکز قدرت است و..... ما یعنی "جناب" مربوطه نیز بدان اجازه این کار را میدهم — چون فعلا مخالف رقیب ما است آیا این حمایت "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟ حزب توده میخواهد سلطه یک ابر قدرت سفاک را بر جامعه ما مستولی کند، ولی ما به وی اجازه فعالیت آزادانه و "آزادی ابراز عقیده" (عقاب) بدهد ابر قدرت روس را میدهم، چون فعلا زیا در مقابل رقیب حمایت میکنند، ولی ما در بر نثریات مجاهدین را تخته می کنیم چون از ما در مقابل سبیل رعب حمایت نمی کند! آیا این حمایت "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟
 ولی آیا واقعا ما با خاسانی "بکطرفه" رویرو هستیم و یا "دو طرفه"؟
 چگونه با بدبرگماری آگاهان، عنا صرح حزب توده را در کار خانات به مناصب سرپرستی و... توجیه کرد؟ چگونه با بد استفاده از عنا صرح حزب توده و اکثریتی را برای منحرف ساختن حشش کارگری و سرکوب آن توجیه کرد؟ چکمانی آگاهان به حزب توده وفادار نیستان اکثریت در کار خانات، پروبال میدهد؟ آیا هیچ کس جز شما و "جناب" شما به چنین کاری مشغول است؟

چگونه با بدتخته کردن و غیرقانونی کردن نشریات همه سازمانهای مترقی را در کنار "امتیاز" دادن به روزنامه "بک حزب که بقول خودشان هم میخواهد کودتای روسی در ایران راه بیندازد، توجیه کرد؟ آیا این دلیل حمایت "طرفینی" و "دوجانبه" نیست؟ آیا توافق صورت نگرفته است که حزب توده هر روز اسمی از بهزاد نبوی و بهشتی و زرفسناجانی و... بعنوان "ضد امپریالیستهای" "دوآتشه" سیار و فحشی به لیبرالها نثار کنند و شما هم از اینان حمایت کنید ولی حمایت خاموش!! چگونه میتوان نقشش جاسوسهای توده ای را در جنوب، در آبدان، که تمامی اطلاعات مربوط به گروههای سیاسی را به آریه سیاسی سپاه پاسداران میدهند توجیه کرد؟ چگونه می توان نقش عنا صرح حزب توده را در بخش سیاسی مساجد در جنوب توجیه کرد؟ آیا اینها از "نیت" پاک و "سی غل و غش" شمایلر میخیزد، یا از نفوذ حزب توده در ارگانها، و یا از حمایت "طرفینی" و "دوجانبه"؟ چگونه میتوان کنفرانسی مشترک نمایندگان "جناب" شما و حزب توده را در تنگنا در مورد "لیبرالسم" توضیح داد؟ آیا حزب توده بصورت شوریک به "حمایت بکطرفه" از شما آمده بود و شما هم اصلا حمایتی از ایشان نکردید؟ حتی در آن کنفرانسی؟
 چگونه میتوان ملاتهای جنابان بهشتی، رجائسی و نبوی را با اکثریتیها توجیه کرد؟ آیا اکثریتیها فقط برای اعلام حمایت "بکطرفه" شرفیاب شده بودند، یا اینکه به نان و نوایی "جانسی" هم رسیدند؟
 چگونه میتوان نمود عوامل و عنا صرح حزب توده و سبک ستیهای بک دست "توده ای" را در راهی و تبلیغی توجیه

کرد؟ آیا با طرایب است که خیلی "آزاد بخواب" شده، ایستاد و به اینان اجازه "ایستراز" عقیده "آزادانه" داده آید؟! راستی جنابان "بکطرفه" است یا "دو طرفه"؟!
هفتم - اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟
 درباره "نامه" سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر و اعمال و افعال آنها بسیار نکته ها میتوان گفت و بسیار میتوان نوشت. ولی مجال اینهمه نوشتن و گفتن نیست، ولی با این همه اینها کیستند؟
 اینها کیستند که با اینکه رهبران و وابستگان نشان چون رجایی، نبوی، دوزدوزانی، عسکراولایی، و... در مصادر احزابی و مقننه مملکت لطمه داده اند، هیچگاه نام و نشان سازمان خود را "برملا" نمی کنند و فقط با صدور "اطلاعیه ها" و "هشدارها" و "نامه هسلای" آنجنانی حضور خود را بر ملت ظاهر میسازند؟
 اینها کیستند که بیشتر از همه دم از مبارزه علیه آمریکا میزنند و همه را بغیر خود و هم مسلکان و هم بیمانان حزسی شان "آمریکایی" میدانند، ولی به کشف تریب و جهلی بیای تسلیم به امپریالیسم آمریکا میروند؛ جاسوسان آمریکایی را آزاد میکنند و به روی آنها میلیاردها دلار از ثروت این ملت را هم ارزانی میدارند؟
 اینها کیستند که بیشتر از همه به مردم "هشدار"های پر آب و تاب در مورد کودتای سوم امپریالیسم میدهند، ولی بیشتر از همه هم در امر دفاع متحدانه از انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم کارشکنی میکنند؟
 اینها کیستند که بیشتر

از همه درباره "پیروزی در جنگ" و "فتح کربلا" داد سخن میدهند، ولی در زیر پرده مقدمات سازش با عراق را میسازند؟
 اینها کیستند که خود را در ظاهر "برادر رئیس جمهور" میخوانند، ولی در باطن حاضرند خوزستان از ایران جدا گردد ولی بنی صدر در جنگ پیروز نگردد؟
 اینها کیستند که همه مبارزین را بانگ "طاغوت زده" از مدرسه و کارخانه و دانشگاه و اداره حکم به اخراج میدهند، ولی خود را منفورتر از بن "طاغوتی"ها چون میسر اشرافیها، آیتها و فلسفیها نرد عشق میبازند؟
 اینها کیستند که بیش از همه گویا به غربی اندونه شرقی، ولی هم بیای تسلیم در مقابل غرب میروند، وهم در منازل با شرق و عمال ایرانی شرق هستند؟
 اینها کیستند که بنام دین و مذهب و اسلام، بخود حرارت میدهند و هر سازی را با یک انگ "آمریکایی" و "روسی" (که بیشتر و صفال حاق خودشان وهم "جناب"شان است، تا کسی دیگری) "بی آبرو" میگردانند، بنام "ولایت فقیه" و "خط امام" بساط استبداد و جماعت کشی را در جامعه گسترده اند و به جان و مال مردم تعرض میکنند بنام "مکتب" دستهای شه نظامی راه انداخته اند و هر غلطی که دلشان خواست می کنند، بسام "مستضعفین" بر ثروتیهای این ملت جنگ می اندازند و به غارت و جبا و لگری مشغولند، بنام "توزیع عادلانه ثروت" بساط دلالتی و احتکار را از من زده و خود سر دسته این اعمال هستند، بنام اسلام و حفظ اعمال کذایی مکتب و نفاق و تفرقه در صفوف ملت را وجهه همت خود قرار داده اند و.....
 بقیه در صفحه ۱۸

ادعای نامه

و سفیر بگرد. ولی دولت... اصطلاح مکتبی و استلانی... گروگانهای جاسوس را به دولت... آمریکا تحویل داد و حتی مطاب... لیات جنلی دولت آمریکا را... تمام با به کردن گرفت و پرداخت... ۱ - دولت آمریکا هیچ... تعهدظاهری هم در باره... بدوا حله در امور داخلی کشور ما... ندا دوازدهم اخلال گذشته خود در... کشور ما هیچ سوری نخواست... این نفس شرط اول...

۲ - دولت آمریکا در باره... ره هیچ یک از مواضات و تحمیل... پس از انفال لانه جاسوسی هیچ... فوئی نداد و عملی نکرده، حر... اتلام رفع تحریم اقتصادی... یعنی فروش کالا در ایران که... ما نفس صرفا خودس بر میگردد... این نفس شرط دوم...

۳ - دولت آمریکا دارا... نی های ملت ایران را که در... بانکهای آمریکا مسدود شده بود... همچنان در اجسار خود نگریسه و... رفع دعوا بر آسپاراهه محاکم... آمریکا نی سعی موردناشند... خودس حواله کرده است...

بسیار حدود ۱۲۴ ملنارد... دارائی های مسدود شده ایران،... که تاکنون بر آورده شده است،... تنها کمراز ۳ میلیارد آبرا... آسپه حسان الجزا بردناک... های انگلسان وار سر کرده اند... حال آسکه در مسائل حدود سس... اره مسلنارد دلار دارائی های... ملت ما را بمواظظ مطالبات... و بهره و اسهای جعلی دولت... آمریکا به جیب رده اند. اسن

نفس شرط سوم... ۴ - دولت آمریکا هیچ... نفس از دارائی های عارنی... ناه معدوم و سنگناش را سسه... ایران ندا دوحی فول پس... دادش را هم داد. این نفس... شرط چهارم...

در مقابل نفس تما سی... این شروط دولت رجائی همه... گروگان سپا را بی داد و ستاره... حدود یک میلیار د دلار هم روی... آسپا گذارده و اکسوس بشرنا به... دم از "سروری ایران" می... رسد... مردم ایران سران این... دولت و حاسیان آن راه حرم... کلاه گذاری سر مردم و بسسه... حرم نفس قول و شروطی که طرف... داران خودشان در مجلس وضع... کردند، سیخواهد:

۱ - متن تمامی مذاکرا... بست برده میان نمایندگان... دولت، میاجی های الجزایری... و فرسان دگان دولت آمریکا و... همچسین فول و قرارها و تمهیدات... نی که میان دودولت ایران... و آمریکا رد و بدل شده است،... شورا به اطلاع ملت برسسد و... نانی گردد!

۲ - با قیام داده اسناد... لانه جاسوسی، خصوصا اسناد... موجود در باره سران حرب... جمهوری استلانی، که از افشاء و... بخش آنها جلوگیری شده، ار... رادوس بلویزیون بخش گردد و... به اطلاع ملت برسد!

۳ - دست اندر کاران... مناسله، حاشا به در فسه کرو... کاسپا و امزادی جون رجاشی و... سپرادسوی و دستگران در بسک... دادگاه صالحه موردنا ز حوشی... برار گیرسد و سه حرم نفس عهد... (یعنی عدم محاکمه گروگانها)... و نفس شروطی که مجلس مورد... ناشد خودشان وضع کرده سوس... محاکمه شوند.

آنها کمی نیست... - شماره صفحه ۱۷ -... اسپا عمارت در حرب... جمهوری اسلامی وهم سمانان... آسپا سازمان محاهدس انقلاب

پرسش و جواب

ای سربازوبیا سندا رو... رزمنده ای که راهمه جیز خودنگد... سه و برای حط آزادی و سرور... مردم و استقلال اس کشورگردا... به می حکمی! سر سرغنا شم... بر اع نگر، که ملنی را سسه... عنمت خواهی داد! کتکسپا... نی که میان شما اندا حنسه و... شما را بدر قانت با بکدبگر سر... صرف غنا تم و افتخار اب حکی... و غیرا نکبجه اندسه سوسما... ست و نه سوسود مردم و استقللال... کشور است، ننبجه! اینکا رها... وقوع زوبیدادهای اسفا کسپی... چون فاححه، با سگه حمید است... نتبجه! اینکا رها به هدر رفتس

خونهای زیادی از خود شما و... شکست مردم از دشمن است... نکذا ریدگروههای فرصت طلب... حاکم در تهران، که از لالی سر... شما با اسرف در آمریکا وارد... مذاکره و معامله میشوند، برای... تحمیل سلطه، خویش بر مردم... در میان شما اختلاف اندازند و... شما را با ریحه قرار دهند و بعد هم... که کار جنگ را با نظر فکنی ها... و رقابت های شوم دشمن شادکن... خود به شکست کشا سیدند با دشمن... وارد مذاکره و معامله شوند و... تمام خویشای ریخته شده را بی... مال گردانند - چنانکه همین... کار را در بی اشغال لانه، حا سو... سی و با حنسن خدا میریا لیستی... مردم گردند و بس از اینهمه مح... مره، اقتضای و تهدید و تحا وز... و عشا را میریا لیستی در براسر... آسپا زانوزندند و بر شرف ملتی... لگد کوبیدند.



شوراها

سپا دستاورد اس مساره... سب و سلکده حسن مجموعه ای... نادره عقب بناندرن مدرست... و حقوق بخشیدن به خواستهای... خودسر مساند، مدرسی که... نلاصکف شوراسی سورا و... اعمای سورا را از اظافی خود... سرور کرده سوسن را بس... مجمع بدست و با اسناد، و از... اسلامی و دارودسه های نظامی... و شه نظامی آنها در سراسر... مملکت! اینها میخواهند... حکمت ارجاعی و سکی سه... مدرسیای سررک خارجی را در زیر... برده، دس در حاحمه مسسر... سازند دوران ساه محمد صا... ساهی را دوباره زنده کنند... ملت ایران کام مجسی... بطوسر حواهد اسب اگر اسن

شورا دعوت کرد که نمایندگان خود را... صحبت کنند. نمایندگان شورا... نتایج اس جلسه را بدین شرح... به کارگران گزارش کرد: ۱- عقب نشینی مدرست در... مورد دو نفر کارگرمی و مسئله... اسفال آسپا، ۲- عقب نشینی... مدرست در مورد حقوقهای سالا... برارند شورا به سرورنده های... کاربندان رسیدگی کنند و بس... حقوق آنها را میزان تحصلا... بنان و بی داردا سه، ۳- عقب... نشینی مدرست در مورد اسناد... ساه شورا، ۴- عقب نشینی... مدرست در مورد وضع سزوسهای... زب و اسناد کارگران و کاربندان.

"حاج گداسی را از ار اسکه،... قدرت بر سر کشد، کونا ه کسردن... دس این "حاج" مشروع کس... از حیات سیاسی حاحمه گام... سررگی اسن در انقلاب دموکرا... سبک و صدامیرا لسنی اسران،... کام مهمی اس برای اسناد... وحدت ملت اسران در سر... احام رساندن اس انقلاب!

خبری تحریف

بقیه از صفحه آخر

از ارجیف و اقترهای رشوه خواری و قتل و ایجا دخریسق و غیره که طبیعتا شکرده خدا انقلابیون ارتجانی حاکم بر چین در تخطئه سیروهای انقلابی است که بگذریم آنچه ما بنده خط سرخی در میان این اخبار حضور خود را نشان میدهد این است که تدارک انقلابیون چین برای سرنگون کردن دارو دسته خیانت پیشه حاکم تنگ سیا- ثوپین و شرکا هر روز ایما دگسترده تری میفود میگیرند و انقلابیون وفا دار به ما شوتسه دون آمده میشوند تا توده ها را سحرکت در آورده راهبان راه سرمایه داری را از اریکه قدرت بریر کشند.

پرولتاریا و توده های مردم چین که تحریم بزرگ انقلاب فرهنگی پرولتاریایی به رهبری رفیق ما شرا اندوخته اند تا آمده میشوند تا اینبار تنگ و شرکا را به زیبا له دانی تریسوخ بریزند.

شوراها

بقیه از صفحه ۲۰

تسمتها شروع به خواندن سرود "کارگر- کارگر" کردند که این خود نشاننده حمایت آنها از این حرکت شورا بود. بدین ترتیب شورا حاوی کارگران سر بلند بیرون آمد و همین کار قدرتش چند برابر شد و آن حالت باس و دل سردی که میان کارگران نسبت به شورا در حال موجود آمدن بود یکبارها از بین رفت. مجموعه کارگران در مقابل سر پرستها و مدیریت موقعیت جدیدی پیدا کردند. اینجا همه نسخه برقراری مناسبات صحیح میان شورا و کارگران است. آن شورا شئی که چنین روشی برای حل مسائل کارگران در پیسش کبردا ایمان کارگران را به شورا

و کار شورا شئی اعزاش داده و در نتیجه حیات شورا تسدوم سخشیده و ضربه پذیری آنرا کاهش میدهد و بالعکس آن شورا شئی که بخواهد مسائل را در چهار حوب مناسبات خود را مدیریت حل کند خواهد بنا خواهد هر روز کارگران فاصله بیشتری گرفته و بیاس و دل سردی نسبت به شورا در میان کارگران تقویت میگردد و شورا شئی که زبیرایش خالی باشد بپراحتی میتواند اماره سر خود خارج شده و یا با ضربه ای سرنگون شود.

اما تحکیم اتحاد کارگران و افزایش اعتقاد آنها به شورا بقیه در صفحه ۱۸

کمکهای دریافت شده

رفقای هوادار در آلمان - ۵۲۰۰۰ ریال شما دریافت شد.

هوک بوی

بقیه از صفحه ۹۰

فرصت طلب و خیانت پیشه هیچ غلطی نخواهند توانست کرد و تنها به نایب بودن خودشان سرعت خواهند بخشید. ترا بنبار به باز هم خواهم نوشت.

تصفیه ...

بقیه از صفحه ۶

بخشنا ماهی که از طرف دادستان نی به من داده شده است وظیفه دارم که کارم را ادامه دهم یعنی اینکه ایشان وظیفه !! دارند دست به تصفیه و اخراج دانش آموزان مبارز سزند. چه وظیفه انقلابی و مکتبی !!



تهدید کارگران ...

بقیه از صفحه ۶

کارگران در سه شیفت شبانه روزی کار میکنند. در پی سخنرانی ها، به دستور مدیریت ما مل و به بیانشه "کسب و کار زوئیل" مقدمات یک کاهش تولید مصنوعی ریخته میشود. ادامه آن در روز شنبه ۵۹/۱۰/۲۷ توطئه های برای اخراج "قاسونی" عسده ای به چشم میخورد.

حقیقت

ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید و پخش کنید



دوستان و رفقا

اتکاء مالی ما بشماست

کمکهای مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال دارید

شوراها

شماره پنجم، آخری
کارگران سرسازد موجب شورا
درمان کارگران هروررتخو-
بب سمود، در اینجا تجربه ای
ارکا رخا به هوجب درنا شد
مطلب فوق ذکر می شود.

چندی پیش در یکی از
قسمتهای اسانکه تملاکاری در
آنجا نسبت چندین کارگران
که حدود ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه
کار داشتند و افرادی بسیار
هستند کار می نمودند. در عین
حال نسبت سمبانی کارخان
بدلیل رخصت دو نفر از کارگران
بخدمت سرکاری احتیاج سه
کارگر پیدا می کند. مدیریت
کارخانه بدون مشورت با شورا
به دو نفر از کارگران مس-
مب اسانکه تملک می کند که
با سابقه نسبت سمبانی نمی
رسمه و دو جای خالی را پر کند
با اینکه دیگر کارخانه آنها
احتمالی بداند و اجزای حوا-
هدند. شورا پس از فهمیدن
این مطلب، با سوخته است که
نسب سمبانی کارگران سکس
است و احتیاج به کارگران
حوا و قوی دارد. پیشی مدرس-
ب رخصت و اعزای می کند و می
کوبند اس کارگران جای پدر
ما هستند و اگر آن نسبت برود
کاری اردستان ما چه بسا و
سابقه آنها را اجزای خواهند
شد. چرا که کارگرهای حوا
برای جسی کاری استفاده
می کنند؛ مدیریت در حوا
میگردد "اس مطلب به شورا
هیج ربطی ندارد. شورا چکاره
است که با این مسائل در حال

کند. اصلاح شوری سورا و ما هر
کاری دلمان حواست سکس
و اعزای سورا را اراط و سوه
می کند.

شورا در مقابل این حرکت
مدیریت دو کار میخواست می کند
و یک راهی بود که سعی کند،
با گذاشتن جلسات متعدد با
مدیریت اس مسئله را حل کند
و راه دوم اینکه اس مسئله را
مستقیماً با کارگران برده
و با هم آنان اس مشکل را
را سا حل نماید. شورای کارخان-
به هوجب که با حال همسسه
ار روس اول استفاده کرده بود
همواره در حواست کارها را از
طریق جلسه گذاشتن و صحبت
کردن با مدیریت حل می کرد، اس
با ریزش دوم بوسل حسب،
صح سردای آسور شورا صیل ار
رخصت کارگران به صحنه
اعلام کرد که کارگران بعد از صرف
صحانه در کاسی سما بود
کار برود. غلب جسی دعوی
سرو و شوق در کسری میان مدرس-
بب و شورا ذکر شد و اینکه شورا
در مورد سمبانی میخواست
تعمیر نکلیف کند، کارگران
سرخلاف سر برستان و کارمندان
ار اس دعوت استقبال کردند
و بعد از صحنه در محل کانتین
ما بدست آمدن ترنس عملاک
مجمع عمومی از کارگران
سکلی شد.

یکی از اعضای شورا
درگیری با مدیریت را برای
کارگران سرکس بوده و مقام
مسائل را از سر با سار سرح
داد. او گفت که دعوا بر سر
استفال یکی دو کارگر مسس
به نسبت سمبانی بوده و در اس
را بطر جورد مدیریت به شورا
را برای کارگران بوضیح داد.
همه کارگران اس عمل
مدیریت را محکوم می کردند
خود کارگری هم که مدیریت
میخواست او را با اس مسئله
اجزای کند صحبت کرد و گفت
"مسئله من جسی نسبت واکس
ارور مرا سرون کسند راه
سرون کردن دیگران با رسی
سودار همه اس حرفها گذشته

حرا مدیریت با اسانکه در سس
شورای احترامی کند و "...."
پس اس محسبا کارگران
دستخمتی تصمیم گرفتند که آن
دو کارگر رخصت در قسمتهای خود
باقی بمانند و شورا سز سزای
تکمیل نسبت سمبانی از
کارگران حوا و یکی دو نفر
را انتخاب کند. با اس مجمع
صرا با حل و فصل اس مسئله
با اس نفاقت، شورا با مسائل
مستعد دیگری سرو سروست و
اس با تصمیم گرفته بود با
انگاس مستقیم به کارگران حل
اس مسائل را در دست گیرد.
در صحنه شورا مسائل دیگر را
سزیک سرح داد و او اکس
مدیریت را سر بهر یک اس
مسائل گفت و از کارگران حوا-
ست که در حل هر یک از اس
مشکلات ترک و بیگیری سموده
و شورا را تنبها بگذارند.

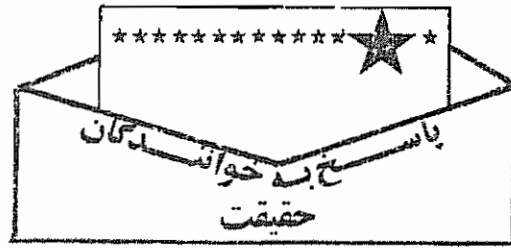
یکی از مسائلی که پیش
اربا با نفاقتی گفتگو بر-
مون نقل و انتقال دو کارگر
مس مطرح شد اسانکه شورا
بود. شورا در رابطه با وظایف
و اسانکه دگمینه های در اعزای
اس وظایف با اسامه ای نهی
کرده است ولی مدیریت اس-
سنا به شورا را ناسد کرده است
شورا در مجمع سسینها مکرده که
اس اسانکه به نسبت سمبانی
مخلف کارخانه بوده و کار-
گران پس از خواندن و نظرس

دادن در راه آن بعنوان
تا شده اما بن کسند و شورا سز
با اسکای به کارگران طس
اسانکه به کارکنند و کاری به
انکه مدیریت موافق است با
مخالف نداشته با تدوین سرت
دیگر حوا لکه مدیریت میخواست
سرخود کارکنند ما هم سر خود کار
میگس. اس پیشنهاد تا شد
همه کارگران رور و شد و همه با
صرا "درست است" از شورا
بسمبانی کردند. شورا هم-
جسی در مورد حقوقی مدیران
انگاری کرده و با سس
نصوب کارگران تصمیم گرفت
ارور و افزادی که محفوظان
سنا ار با نده هزار تومان در
با اس سکارخان بدلو گیری
سما. مسئله دیگری که مورد
مخبت قرار گرفت وضع سروس
های رخصت و آمد کارگران و کار-
مدان و لزوم کسان بودن آن
برای همه بود که مورد تا شد
کارگران قرار گرفت.
همه کارگران از اس
حرکت شورا حواستال بودند سزا
جسی کاری با سحال در اس
کارخان با سانه نداشته است.
همه کارگران صحت از اس می
کردند که "شورا مون داره قدرت
میگردد" و در آخر جلسه سز
کارگران با شعار "درود بر شورا"
سالی را ترک کردند. کارگران
س از رخصت سرکار سزدر

شماره پنجم، ۱۹



شوراهای کارگری: قانونهای مبارزه
ضد امپریالیستی کارگرانند!
حمله به شوراها، حمله به مبارزه ضد امپریالیستی



در دیل پاسخ به سوالاتی که از شما...
ره پیش، به علت کمبود صفحات نشریه باقی
مانده است را جواب میدهم.

انترناسیونالیسم پرولتری چیست؟

سوال شده است که "مسئله انترنا-
سیونالیسم را در ارتباط با شوروی توضیح
دهید، چه یکی از پایه های عمده
استدلالات مدافعین روسیه میباشد."
و "درباره مفهوم انترناسیونالیسم
توضیح دهید"

توضیح کامل انترناسیونالیسم
پرولتری مستلزم مقاله مفصلی است که
این سون، چنین امکانی را ما نمی
دهد. لیکن بطور خلاصه انترناسیونالیسم
پرولتری بدین معنی است که کارگران
سراسر جهان دارای یک وحدت منافع
مشترک در برابر سرمایه داری بین المللی
هستند. چون نظام سرمایه داری به بیگ
نظام بین المللی چپاول و بنمادگری
تبدیل شده است، دیگر کارگر هندی و آفری-
قیایی یا کارگر آلمانی و آمریکایی در
این نظام بهره کشی تفاوتی ندارد، سر-
تا به زمانیکه بین المللی ندهد کار-
گران را بعنوان یک مجموعه استعماری
کنند. لذا کارگران جهان به نقطه ای یک
دشمن ملی "بلکه یک دشمن جهانی
روبروییده و لذا می بایست در سراسر
جهان با یکدیگر متحد شده و متحداً همیشه
سرمایه داری را سرکشند. از این رو آمده
است که کارگران جهان "وطن ندارند،
تفاوتی نمی کنند متعلق به کدام ملیت
هستند، استعمار میشوند و منافع شان نیز
با یکدیگر حوش خورده و میبایست متحداً به
سراسر جهان بر خیزند.

البته این تنها شعبی مختصر
از انترناسیونالیسم پرولتری است
لیکن این مموله که بعنوان یکی از
اصول پایه ای مکتب کمونیسم شناخته
میشود، سیاسی و مود خاصی را سز در سر
میکرد که از جمله است:
۱- مبارزه طبقه کارگر یک کشور با بستنی
در خدمت مبارزه طبقه کارگر بین المللی
قرار گیرد و با آن در تضاد نیفتد.

های آزادیبخش ملی و کارگری با بستنی
کپنا رزده شود و آنها شبکه روسها ستوانند
نفوذ در رهبری این جنبش ها و با تحت
تا شیر قرار دادنشان از آنها بعنوان وجوه
معا مله و رقابت با امپریالیستها استفاده
نمایند، این جنبشها با بیدار بست در خدمت
آنان قرار گیرند.

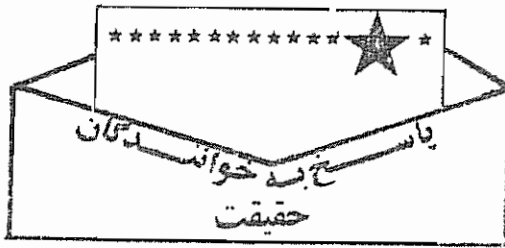
خط مشی واحد کمونیستی برای سو-
سال امپریالیستها یعنی کمانشک
کمونیسم را تحریف کرده اند و از آنان
تنها بعنوان روپوشی برای احیاء اصول
سرمایه داری در شوروی و اعمال سیاست
امپریالیستی در جهان استفاده می نما-
یند، بالطبع نمیتوانند مطرح باشند، زیرا-
نیکه اصول مارکسیسم - لنینیسم توسط
باند خروشچف و بده سال اورژنتف ها
لگد مال میگردد، و شوروی مارکسیسم
لنینیسم درباره امپریالیسم، انقلاب
دولت، لزوم رهبری پرولتاریا و ساد
انقلاب دمکراتیک نوین و سوسیالیستی
شبهه های نهر آ سیز و صالست آمیز ساز
و درباره دیکتاتور پرولتاریا و نقش
تاریخی آن و دهها مورد اساسی دیگر
نقی میگردد، صحبت از خط مشی واحد
بین المللی و بیاد فاع از دستاوردهای
مارکسیسم - لنینیسم جز بیبسته های
خواهند بود.

برای روسها امپریالیستی
انترناسیونالیسم تنها یک معنی میدهد
و آنهم وابستگی و انقیاد ملی
شوروی از سوی طبقه کارگر بین المللی
و خلقهای ستم دیده که برای سوسیالیسم
و یک حکومت کارگری مبارزه میکنند، می
باشد. "انترناسیونالیسم" نوع روسی
حیز مسخ شده ای از اصل مارکسیستی
این مقوله است. در این باره بعد ها
در صورت امکان بیشتر سخن خواهیم
گفت.

سوسیالیسم و امپریالیسم

رفیقی در نامه ای یک سوال را
همراه با یک پیشنهاد مطرح نموده است
سوال این است که "پا به عینی اردوگاه
سوسیالیسم و تعداد آن را اردوگاه
امپریالیسم چگونه است."
در شماره پیش ما سوالی بطور سوال
فوق را پاسخ داده ایم و شماره آن رجوع
میدهم. لیکن اضافی بر آنچه گفته ام
فیه در صفحه ۲۲

۲- خط مشی سیاسی طبقه کارگر میبایست
منافع مجموعه کارگران جهان را در سر
گیرد، و لذا میبایست بگردیک خط مشی
واحد اتحاد میان طبقه کارگر جهان
تضمین گردد.
۳- وفاداری به اصول مارکسیسم -
لنینیسم و دستاوردهای جنبش بین -
المللی کمونیستی و کارگری، بیوسوزه
در مرز بندی با انواع گرایش های ضد
پرولتری مانند روبریونیسیم کهن و نوپا
نروسیسم، و... که اشکال مختلف
نفوذ آید شولوی طبقه بورژوا در میان
طبقه کارگر است.
و... که این سون امکان بررسی
آنها را نمی دهد.
روبیونیسیتها ی روسی که بی-
سرمداری خروشچف از اراط سا لهای
۱۹۳۵ به قدرت رسیدند و دستاوردهای
سوسیالیسم در شوروی را لگد مال نمودند
به هیچیک از اصول یا دنده انترناسیونال
لیسم پرولتری پای بند نیستند.
آنان تنها میکوشند تا با حفظ یک ظاهر
کمونیستی خود را در میان جنبش کمسو-
نیستی و کارگری بین المللی جای دهند.
سوسال امپریالیستها ی روسی
بر جنبش های کارگری و جنبشهای
آزادیبخش ملی که دفاعی قسود شرط
از آنان جز اصول انترناسیونالیسم
پرولتری است، با امپریالیستها سازش
مکنند و حاضرند آنها را بفروشند، و امر
وز به سرکوب مستقیم آنها نیز میپردازند.
زند، در واقع اصل اول انترناسیونال-
لیسم پرولتری از سوی سوسیال امپر-
الیستها ی روسی بصورت منکوس اجرا
مگردد. بدین صورت که حاکمین
شوروی کنوسی جنبش های کارگری
و آزادیبخش ملی را منشاء سازا راضا
منافع امپریالیستی خود میداندند و
انتظار دارند که همه این جنبشها
تا سعی از منافع آزمندانها آنها عمل
کنند، آنها شبکه ضرر روسها است جنبش



حندماعت قبل از برگزاری این سرنامه توطئه آسزودرعین حال بدون اطلاع آیت الله منتظری ورهبران حزب کدائی، تو- ضیح دهد.

کودتای حزب؟

سوال دوم این است که "سر مقاله حقیقت شماره ۱۰۱ به حزب جمهوری و احتمال خطر کودتا ارسوی آنها اشاره شده است. آیا امروزه خطر عمده ای که انقلاب ایران را تهدید میکند و لاکودتا و ناآرامی انجام آن از طریق حزب است؟ اگر نه دلیل اسکهر مقاله یک شماره از نشریه با این مطلب اختصاص یافته چیست؟" اینکهر مقاله این شماره به این موضوع اختصاص یافته است، بخاطر اهمیت است که حزب جمهوری اسلامی در سر نوشت سیاسی این مملکت - بصورت خطری حدی برای آن - دارا است. ما همواره تاکید کرده ایم که مبارزه ضد امپریالیستی را خطرا زنگاری که امروزه با وجه تسلیم طلبی بسرمداری حزب جمهوری عمین شده تهدید میکند، و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک در جامعه بطور اخصی در برابر حزب و دولت وابسته با و که دست در دست سرمایه داران بزرگ و ملاکان برعلیه آزادیهای سیاسی در جامعه مشغولند، شکل میگیرد. بعبارت دیگر هم مبارزه ضد امپریالیستی و هم مبارزه برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی بطور لاینفکسی مبارزه بر علیه حزب جمهوری اسلامی را در بر میگیرد. لیکن در این مقاله خطر کودتا ارسوی حزب بعنوان خطر عمده برای انقلاب ایران ذکر نشده، بلکه بعنوان یک خطر مهم تلقی گردیده است. فعالمتهای ارتجاعی حزب واقعا خطر سزرگی بسر ای ادا مهابتلاب با بد تلقی گردد، لیکن خطر کودتایکی اروحوه این معالیتها را تشکیل میدهد. رهبری حزب - بری اسلامی را - سورزواهای دلال، مالکین سزرگ، ضد کمونسمنهای سر سخت و ماواکی ها ورهبران او با ش تشکیل میدهد که بعنوان عامل اصلی تفرقه و ما جراحیوی در جامعه و نیرو بی که برای تسخیر قدرت سیاسی حاضرند تسلیم در برابر قدرتتهاست به حساب آید.

بنا بر این مبارزه با حزب جمهوری اسلامی بعنوان بخش حدی نا پذیر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی محسوب می گردد و خطر کودتا ارسوی این حزب میساید. بیست سمنا به یک خطر جدی تلقی گردد.

حزب چیست؟ پاسخ اینکه: اول گفته شده "بخشی از حزب و امام خمینی و... گفته شده "بخشی از روحانیون از احمال ردو جو - ردو در کسریهایی که مستواست سراجتی کنترل را از دست همه خارج کند بیمناک شده و مسادرت به لغورا هیبمانی نمودند. شاسبا هما نظوری که در بیشتر متالالات حقیقت ملاحظه نموده اید، اختلاف طبقاتی میان امام خمینی که متعلق به خرده بورژوازی سنتی است با جریان رهبری حزب که تماما پینده یک جریان سورژوا دلال انحصار طلب میساید، همواره تاکید شده است. و نیز اینکه دستور لغورا - بهمانی از سوی امام بالاخره ناشی از موضع طبقاتی: وودن مخالفت با حزبون میساید، سزدرست است. لیکن آنچه که مقاله حقیقت گوش به پاسخ آن نموده بود این است که چرا امام خمینی تنیجا حندماعت قبل تر از سرنامه را هیبمانی دست به حنسن اقدامی زد؟

چهارم خصیستی متوانست بخاطر اختلافات طبقاتی خود با این حزب نه تنها زودتر فال این نوع راه پیمانیها را نکند، بلکه با خود حزب نیز میخواست مخالفت آنکارنما بد، لیکن واقعیت چنین نیست. در همان مقاله ما در نظر داسن اختلافات طبقاتی میان امام خمینی و دارودسه حزب جمهوری، سر و حوه اشتراک اس دونا کده شده است. اصل مطلب این است که سنوان هم و حوه اشتراک و هم و حوه اشتراق میان طبقات منفا دالمنابع را در یافت، از یکسو نمایدا اختلاف طبقاتی میان اسن دو جریان را نا دیده گرفت و از سوی دیگر سبادونمی توان اتفاق نظر اسن دو جریان را در سرحی زمینه ها را پشت گوش انداخت.

آنچه دارای اهمیت در این مقاله میبماند، اس است که سمی شده عللست و اتمی دستور لغورا هیبمانی را درست

اینکه اردوگاه سوسالیسم اگر حتمی اتحاد میان کسور های سوسالیسی تحت یک سیاست و سرنامه و احد منظور است که با ارشاد دبش تنظیمی از احزاب و کنورهای سوسالیسی به محالاب ابورتونسم و روبریوسسم، دیگر وجود ندارد. لذا برای حنسن اردوگاهی سیمی سوان با به عسی فائل س، اگر میطور راه سوسالیسم و وجود سوسالیسم در حد اقل یک کشور است، که با به های عیمی آن را ساد در وجود دولت کارگری در این کشورها یافت.

بنا بر این تا زمانیکه حدافل یک کشور سوسالیستی در جهان وجود داشته باشد، تضاد میان سوسالیسم و امپریالیسم سمریسی واقعی خواهد داشت.

پیشها شده است که سلسله مقالات آموزشی برای سسرمد محب سسرا سسون مساله سوسال امپریالیسم در نشریه مستشر کرد با سوان سجد حلاقتی را سبا مدافعین سوروی کنونی به پیش سرد. در پاسخ به این ستمق ساد سگوئوسسم که پیشها دشما در نظر گرفته میسود در موع نوع سیاسی سدان عمل حوا هم کسرد. موعی ساشسدد.

س - الف از تهران

رفیق س - الف در ارتباط با سر مقاله شماره های ۱۰۱ و مقاله ۱۰۲ سخره حقیقت مطالبی سراسمان سرساده است که سسر سداراسی سراسمانند: در شماره ۱۰۲ حقیقت "در مورد لغورا هیبمانی کدائی ارسوی امام خمینی دلیل آورده که بخشی از حزب و امام خمینی از ترس شان از سنی صرا سکنکار را کرده اند، مقصود چیست؟ آیا سساید گفت لغورا هیبمانی اولار طریبا امام خمینی صورت گرفته و نا سنا سکنکار بخاطر اختلاف طبقاتی ایشان با حزب و اسکهر راه پیمانی سسغ حزب مستند صورت گرفته است؟ آیا این حرکتها از سوی امام خمینی سنا سگرا اختلاف اوسا

پاسخ زیوانانه

بقیه از صفحه آخر...
 راسته به خویش در کشور ما خوا...
 هد کرد. معنای دیگر یادداشت
 دوم دولت روسیه در حکم اتمام
 حتی به ملت ایران بود و در آن
 از حقوق ویژه کمسولی (گا-
 بسولاسون) و حق مداخله
 در کشور ما صلاح غیرمستند
 ایران توسط دولت با صلاح
 متمدن روسیه صحبت شده بود.
 طبیعتاً دولت ایران، اگر
 واقعاً دولتی انقلابی و متکلی
 به مردم بود، باید در پاسخ به
 اراجیف توهین آمیز دولت
 قلدر روس این دولت را بخاطر
 انحال کشور ملت برادر و همسا-
 نه، ما افغانستان قاطعانه
 محکوم میکرد و به اسب
 خاطر مسائل مساعد که وحشی ها
 ولکد مال کسندگان رواسط
 حاکمی از تمدن مسان ملتها
 آن قدر هستند ان جنایتکاری
 هستند که خاک ملت برادر ما را
 با توپ و تانک به اشغال خود
 در آورده، صدها هزار تن را کشتند
 و زخمی و اسیر کرده و حدود سه
 میلیون نفر را با چاره شرک
 وطن و آوار کشورهای دیگر
 گردا سده اند. دولت ایران
 با در ما مداران دولت روسیه
 را، که ردای امپراطوران سفاک
 با ریح گذشته، روس را سدوش
 افکنده اند، بخاطر اتمام حجت
 نوهی آمیزشان، بخاطر اهان
 و دشنام به ملت سر بلند ایران،
 به محاکمه میکشید و توهنشان
 میزد. با بد میخواست که از ملت
 ما بپوش خواجهی کنند، و اگر
 نمی کنند و قمد زورگوشی و قلدر

مآبی در کشور ما را دارند کم و
 دستگهان را جمع کنند و گور-
 شان را از سر زمین ما کم کنند
 - که ملت ایران تحمل حفظ
 رابطه برده و اربا اسر قدرتیا
 و دزدان دریا شئ، نه شمالی
 و نه جنوبی اش، را نمیتواند
 داشته باشد.

نگفتند! دولتی که تجاوز
 به سرزمین ملت ستمدیده ای را
 در تمام اعلانات و بیانات
 رسمی و غیر رسمی خود امری
 "طبیعی" و ناشی از "همسنگی"
 مسان ملتها و "انترناسیونال-
 لیسم" جا میزند! دولتی که
 کشتار و بیخاندان سازی
 بمیلونها انسان زحمتکش
 افغانی را سام "دفاع از
 حقوق زحمتکشان" و کمک سه
 "انقلاب رها شیبش" علمی
 میکند، چگونه تحمل ما شده،
 مخالفت حق طلبانه گروهی
 نظا هرکننده و شکسته شدن
 چند شش سفارتخانه اش را ندان-
 رد! آیا این مخالفت ها امری
 طبیعی و ناشی از همسنگی
 بین ملتها و انترناسیونالیسم
 نیستند؟! چقدر مبنی برای
 سفارتخانه، دولتی که است
 و آسانش ملل متعددی را سیم
 رده و معمول غارت و تحاور
 و اشغال سرزمینهای دیگران
 است؟! امروز این دولت
 با صلاح طرفدار و عرف بیسن
 المللی "کشورهای متمدن"،
 حتی در مرزهای کشور ما، در
 آستار و آرس، به تعدی و خراب
 کاری مشغول است، و ابسادی
 آن بطور غیر قانونی در منطقه
 ترکمن مجازات و آمد میکنند
 و به فروش احماس قا حاق و
 تسلیحات مشغول اند. هم
 اکنون بیفن معلوم شده
 است که دولت روسیه با صلاح
 متمدن چند لشکر در پشت مرزهای
 ایران به حال آماده باش در
 آورده و هر ارگای به مانورهای
 تهدید آسزمبارت میوزند،
 و تا کنون چند مورد تحریکات و
 زدو خورد های مرزی از سوی
 این متمدن های کذاشی

باعث شده است. حتی درباره
 خاساندن پاره ای از علامت
 های مرزی در سرحدات شمال
 غربی ایران از طرف دولت
 ظمک روسیه گفتگوهای وجود
 دارد و نشانهای موجود است،
 که متاسفانه دولت ایران از سر
 روسی و جنوبی درباره آنها
 مهر سکوت بر لب زده است. حالا
 اینها از برهم زدن جزئی
 امنیت اتباع سفارتخانه
 کذاشی خودشان و عرف تمدن
 دم میزنند و بهانه برای مدا-
ظه ("را سا اقدام کردن") می
 جویند!! این سفارتخانه
 که لنگه دیگری از آن خاسوس
 خاسه آمریکا است، سرسما حان
 زورگوی آن خراب کرده!
 ولی دولت رجاشی در
 نامه، خواسته، خود به یادداشت
 های توهین آمیز دولت روسیه
 با زبونی بسیار در صدد توجیه
 و تعارف بر می آید و دوبار در ریک
 نامطلب به پیوزش خواهی می
 کشاید ("ضمن اظهار تاسف از...")
 و "تاریک از واقع مزبور
 اظهار تاسف نموده و.....")
 و حتی برای "حیران" با صلاح
 "خسارات ناشی از حادثه"
 کدا "تعهد" می سیارد (نگاه
 کسیده متن خواسته، دولت در
 روزنامه های عصر - اطلاعات "

۵ بهمن ۵۹)، بدون آنکه روی
 مسئله، املی با ددایت اعتراف-
 ضی دولت شوروی، که همانا
 تهدید سه مداخله در کشور ما است
 دست گذارده و با قدرت آنرا
 افشا کند، توی دهنشان سزند!
 دولت رجاشی که سیاست
 تسلیم طلبانه ای را در قضیه،
 خاسوسان آمریکائی به اجرا
 گذارد تا جا راست که همان سا-
 ست را در برابر قدرت دیگر
 نیز به اجرا گذارد و به جای سر
 افراحتن در برابر حرف زور و
 قلدری دولت های امپریالیستی
 با سری افکنده و روبرو شود. لیکن
 این سیاست، سیاست مسردم
 ایران نیست، و با بر قدرت غارت
 هر روس با بدیدانند که مردم بها
 خاسته، ما را هر اسی از تهدیدات
 و اتمام حجت ها و قلدر مآبی
 های وی ضمیمه شد و بلکه برای
 رودر روشن با این اسر-
 قدرت، بویا هر دو با بر قدرت،
 که امری اجتناب ناپذیر
 در آسید، ملت جویای استقلال
 ما است، کاملاً ماده و حاضرند.



**این انبار هیچ ربطی به
 اتحادیه کمونیستهای ایران ندارد**

چهارشنبه ۲ بهمن ماه ۵۹ روزنامه اطلاعات، وفردای
 آن روز، روزنامه جمهوری اسلامی خبری داشت بر "انفجار انبار
 مهمات اتحادیه کمونیستها" در شقاط بزرگراه مدرس و آفریقا
 انتشار داده اند، که هیچ ارتباطی به اتحادیه کمونیستهای
 ایران ندارد. اتحادیه کمونیستهای ایران بدین وسیله اعلام
 مبارک دارای چنین انضاری نبوده و نصبت دادن انباریناد
 شده به این سازمان بی اساس میباشد.
 علاوه بر طبق معمول، که از هر خبر جعلی درباره، سازمانهای
 انقلابی آنرا وسیله ای برای سیاه کردن این سازمانها میگردد-
 نند، در این خبر برای سیاه کردن سازمان ما شتی اراجیف
 نظیر کشت مجلات منافعی عفت و مشروبات الکلی چاشنی خریساد
 شده کرده و آنها را مفرضانه به سازمان ما نسبت داده اند.
 اتحادیه کمونیستهای ایران
 - ۵۹/۱۱/۳ -

شوراها باید متکی به کارگران باشند



تجربه ای از کارخانه هوخست

حالتی کارگران مشوجه نقش خود نمی شوند و لزوم دخالت مستقیم از طرف خود را نمی بینند و پس از مدتی شورا از کارگران جدا شده و مبارزات آن با کارفرما بصورت مبارزه چند کارگر با کارفرما درمی آید و در مواردی مشاهده میشود که حتی عضو یک شورا از طرف مدیریت از کارخانه اخراج میشود و او را کنش لازم از طرف کارگران در مقابل این حرکت صورت نمی گیرد. بالعکس اگر شورا کارگران را از مسائل مورد مبارزه و جوگی نگذارد و کنش مدیریت را با این مسائل مطلع کند و نتایج این مبارزات را بطور مداوم با اطلاع بقیه در صفحه ۴۰

می آید که برای این می توانست دستخوش توطئه های کارفرما گشته و سرنگون شود. یکی از مهمترین دلایل این مطلب این است که اس شوراها مسائل و مشکلات درون کارخانه را با کارگران مطرح نمیکند و آنها را در جریان کار قرار نمی دهند. مثلاً شورا سر مسئله اخراج یک کارگر یا ملان مسئله رنا هسی سعی میکنند با استادان یا سکه کارگران با شورا هستند بدون تجربه آن قرار دادن کارگران با کارفرما به مقابله برخاسته و مسئله را در جلسات متعدد با کارفرما و نمایندگان او حل و فصل نموده و نتیجه را به کارگران اطلاع دهند. در چنین

حالت این شیراها بی تفاوت میوند؟ این سوالات جنسی است که در جنبش کارگری ذهن کارگران بپروراند خود مشغول دانسته است. روند معمول یک شورا این بوده که در میان نورو در میان کارگران، با سخی از آنها آردست میدهد؟ چرا غایب کارگران به سرسویب و ادامه

جرا شورا های کارگری که منتخب کارگران میروند در مقابله با توطئه های کارفرما ایستادگی لازم را نتوانستند از خودشان دهند؟ چرا این شوراها پس از جنسی نمود خود در میان کارگران، با سخی از آنها آردست میدهد؟ چرا غایب کارگران به سرسویب و ادامه

این پاسخ زیوانانه پاسخ ملت ایران نیست

درباره پاسخ دولت رجائی به اراجیف

بیشزمانه دولت روسیه

وزارت امور خارجه دولت رجائی سرانجام پس از مدتی ائتلاف و نت پاسخی را به ما مه اها نت آمز و سر زمانه وزیر مختار سفارتخانه روس انتشار داد، که هیچ روان با سنج رسنده ملت بیخاسته، ما سعی باشد. این پاسخ نشانه روسی دولت رجائی در سراسر یک امر عدوت سفاک و فلیسدر میا شد؛ نشانه جوهر سلیم طلب حرب هوجی مسلکی است که این دولت از آن دستور می گمرد.

پس از تظا هراب حقی طلباننه هزاران تن از برادران افغانی و مردم تهران در سراسر سر سفارت دولت روسی، که در تاریخ ۶ دسامبر ۱۳۵۹ در اعتراض به یک سال اسعاز و حسابانه امضا سمان توسط ارسنش سجا و رگر روسیه صورت گرفت، دولت استعماری روس طسی دو نوست در مسکو و تهران با داداشت

های اعتراضی توهین آمیزی را تسلیم مقامات دولت ایران کرد. دولت روسیه در این داداشتها حادشه کا سلا طبعی هجوم تظا هرکنسندگان حتمکن را به سفارتخانه روسیه در تهران، که حدود یک ساعت بطول انجامد، بهانه کرده و معرغه به دولت اسران را مسئول این نوع حوادث معرفی کرد. دولت روسیه سخرمی را نداننا را ساندکه در ما داداشت درم خود به تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۳۵۹، ده از طرف وزیر مختار اس دولت در تهران تسلیم مقامات ایرانی شد، سالتحنی توهین آمز و بطور غیر مستقیم ملت را ناقض اصول و عرف کشورهای منمدن بجسی وحشی حواسد و تهدید کمان اعلام داشت که از اس پس خود را اقدام به تاسی امشب اساع و موسسات

خبری تحریف شده

از چین

هزمان با محاکمه گروه چهار نفره در چین خبر گزارینها گزارش میدهند که:

"چین اعلام کرد که فدا نقلایون و مجرمین با بمب گذاری تشکیل احتمالات سری و دخالت در اسواع شرارت ها کشور را در حالت از هم گسیختگی و بی نباتی قرار داده اند."

روزنامه آزادی چاپ شانگهای ادامه میدهد که "ارسین بردن گروه چهار نفری صلح و آرامش را ابتدا به کشور با زگردانده است ولی در حال حاضر در شانگهای و دیگر مناطق کشور مسائلی رخ میدهد که قابل توجه است، بطور مثال عدال سعی دارند سلکت را دچار هرچ و مرج و بی نظمی کنند و از روش های انقلاب فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند. مردم بطرز وقیحانه ای سسه ساختن سب اقدام کرده اعلامیه های فدا نقلایی بر علیه رهبری را بین دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه هایی از سازمانهای غیر قانونی هستند. در همین حال مجرمین با شرکت در رشوه خواری و فروش اسناد محرمانه دولتی، قنصل و ایجاد حریق عمدی ... در حال از گسیختگی اوضاع افتصادی کشور هستند."

(بتیبه در صفحه ۱۹)